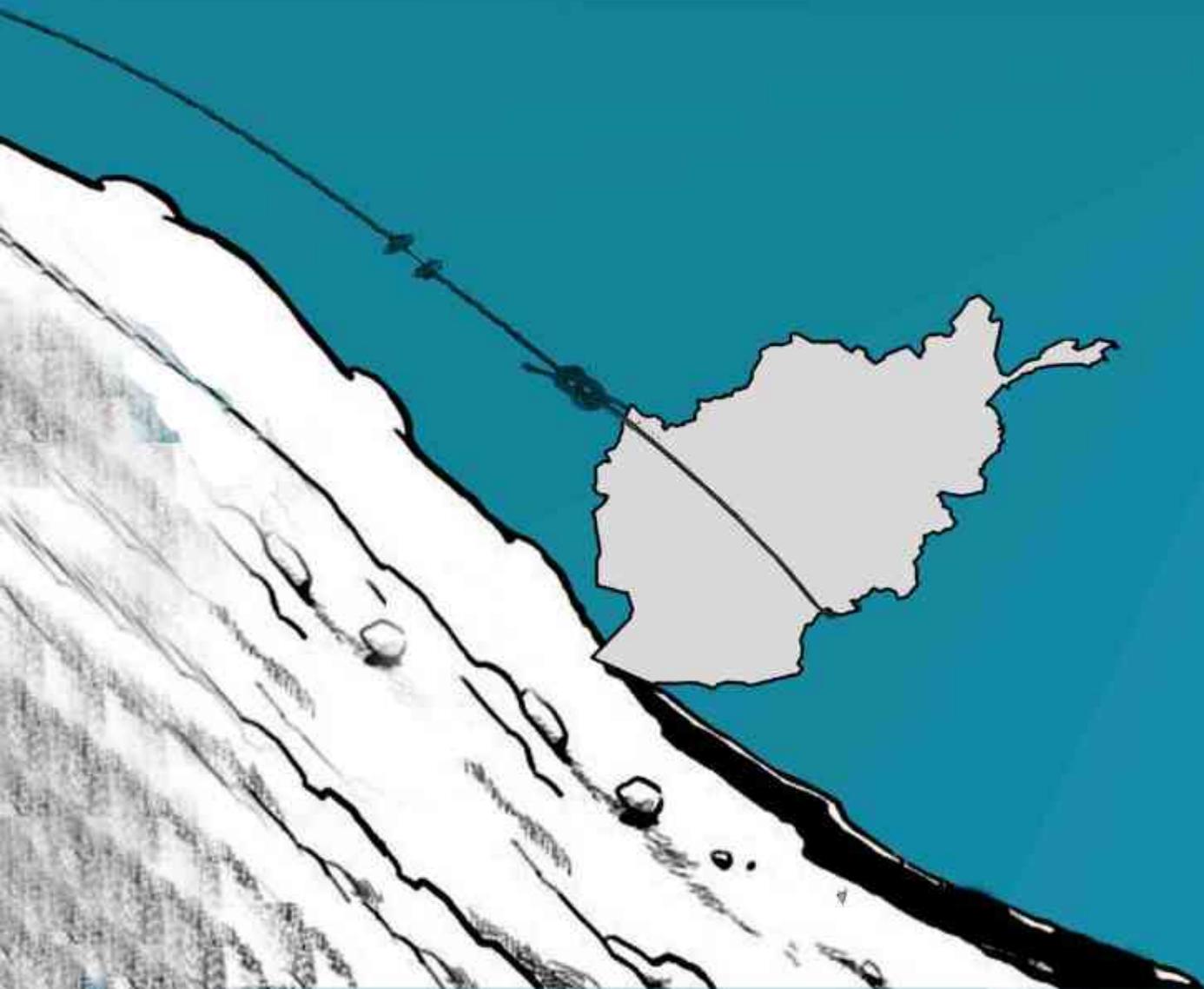




فصلنامه علمی، فرهنگی، سیاسی

فصلنامه علمی، فرهنگی، سیاسی
سال نهم، شماره ۲۸، تابستان ۱۳۹۲





انجمن فرهنگي تبلور انديشه

www.Tabalwor.com

[www.Facebook.com/tabalwor](https://www.facebook.com/tabalwor)

www.Twitter.com/Tabalwor



صاحب امتیاز:

انجمن فرهنگی تبلور اندیشه

مدیر مسئول:

سید سلیمان حسینی

معاونت انجمن:

سید علی حسینی

سر دبیر:

سید محمد هاشمی

هیئت تحریریه:

علی اکبر فیاض، سید سلیمان حسینی،
محمد علی کریمی، سید محمد عارف فاضل،
علی ظفر علیزاده، سید علی حسینی، یوسف
رحیمی، سید ابراهیم مرتضوی، سید حسین
حسینی (م)، سید مسعود موسوی، سید مصطفی
مبلغ، رقیه علوی، فاطمه خاوری، معصومه
حیدری

مدیر اجرایی:

رقیه علوی

ویراستار:

فاطمه خاوری

صفحه آرا و کمپوزین:

معصومه حیدری

طراحی و گرافیک:

گروه طراحان گرافیک گیتی سیستم
www.fb.com/Gitisystem

سرمقاله ۴/

سر دبیر

راهکارهای پیشگیری از آدم ربایی ۶/

سید محمد هاشمی

راهکارهای مقابله با رشوه خواری ۱۰/

سید علی حسینی

نیم نگاه ۱۸/

دکتر علی اکبر فیاض

نقش علمادار فعالیت های تبلیغی رسانه ای ۲۰/

سید سلیمان حسینی

بحران گسترش مسیحیت در افغانستان ۲۴/

سید مصطفی مبلغ

یادی از بیدارگر معاصر، شهید سید اسماعیل بلخی ۲۸/

سید مسعود موسوی

طنز عرفانی ۳۰/

سید محمد عارف فاضل

خاطره ۳۱/

عارف

کابل نامه ۳۳/

زینب خاوری

جنايات كليسا در قرون وسطی ۳۶/

عبدالله صادقی

نکته ها

اندیشه نو از کلیه مقالات ارسالی در موضوعات مرتبط با فصلنامه استقبال می کند. نظریه ها و دیدگاه های آمده در این فصلنامه ضرورتاً تکرر و موضع اندیشه نو نیست. بازگویی و نقل مطالب و نظریه ها از این فصلنامه یا یاد کرد منبع بدون مانع می باشد. مقالات رسیده بازگردانده نمی شود.

اندیشه نو از بازاندیشی و نقد روشمند و متصفانه استقبال میکند.

آدرس:

www.FB.com/tabalwor

کابل: پل سرخ، قلعه وزیر، سمت چپ درب دوم، نسیم غلام زاده

کابل: برجی، گولایی مهتاب قلعه، جنب شورای حوزه علماء افغانستان، سید باقر حسینی

هرات: هرات شهرک جبرئیل چهارده منتری بالابعد از مجمع الذاکرین علی ظفر علیزاده

هرات: شهرک جبرئیل بعد از کتابخانه رسالت (جزیره) چهارراه دوم سمت چپ درب سوم سید محسن حسینی

مزار شریف: اول کارته وحدت (روبروی ادمهوترهای خورد کابل) ایسه خصوصی دختر آتمه مهر سید ابراهیم

ساکنات مرتضوی

بامیان: یکه ولنگ، نیگ، شهرنو، دفتر هیئات سازمان ملل متحد، سید داوود فتاح

مشهد: گلشهر، امیرالمومنین ۱، پلاک ۳۷۰، انجمن فرهنگی تبلور اندیشه

کلام آغازین

جای خالی نهادهای فرهنگی

از تأسیس خانه فرهنگ، در افغانستان دیری نمی گذرد. این نهاد با حضور سفیر آمریکا و عده‌ای از مسئولین فرهنگی کشور، با هدف جلب جوانان و زنان افغانی در کابل افتتاح شد که سرفصل فعالیت هایش در پنج بخش آموزشگاه، کتابخانه، کافی نت، سرویس وبلاگ‌نویسی افغانستانی و نگارستان متمرکز شده است. پیدایش چنین نهادهای فرهنگی مایه بی‌خرسندی است؛ اما برنامه های کم محتوا و تا حدودی بی‌محتوای آنها جای تأسف است. چرا سرمایه ملی صرف اموری شود که بازدهی آنها در ارتقاء سطح فرهنگ و ارزشهای دینی کم رنگ است؟ هرچند این خانه، نام فرهنگ را به خودیدک کشیده است جای سؤال است که چرا فعالیت های آن به جوانان و زنان اختصاص پیدا کرده است؟ چرا نهاد فرهنگی یک کشور ویژه قشر خاص باشد؟

این جاست که جای خالی یک نهاد فرهنگی واحدی جامع و قابل قبول، کاملاً محسوس است و این برای یک کشور اسلامی درد آور است. اگر خانواده، مدرسه، صدا و سیما و مطبوعات نقش برجسته تر از دیگر نهادها در فرهنگ سازی صحیح دارند؛ دلیل بر این نیست که ایجاد مراکز فرهنگی غنی از فرهنگ ناب اسلام دیگر لزومی ندارد.

از این رو ضرورت ایجاد ارگانها و نهادهای اسلامی که بتوانند به نوعی مروج آرمانهای فرهنگی و دینی، و شاخصهای اعتقادی باشند انکار ناپذیر است.

در جمهوری اسلامی ایران دونهاد فرهنگی در سطح وسیع فعالیت های فرهنگی دارند که اختصاص به افراد خاص هم ندارند. این دونهاد یکی دفتر تبلیغات اسلامی و دیگری سازمان تبلیغات اسلامی است. هدف سازمان تبلیغات اعتلای فرهنگ نغز و پر بار اسلام راستین و تبلور حیات معنوی و تعیین و ترویج شاخصی اعتقادی، نام برده شده.

درستور زیر چند مورد مهم از وظایف این نهاد اشاره می شود:

۱- سیاستگذاری، برنامه ریزی، هدایت، سازماندهی، پشتیبانی و نظارت بر تبلیغات دینی - مردمی.
۲- تلاش در جهت احیا و اشاعه معارف، فرهنگ و تاریخ تشیع از همه راههای ممکن، با تاکید بر وحدت تمام مذاهب اسلامی و حراست از آن، با همکاری مراجع و نهادهای ذیربط.

۳- انجام مطالعات راهبردی و بررسی های کاربردی در زمینه نیازهای فرهنگی اقشار مختلف جامعه بویژه جوانان و طراحی برنامه ها و شیوه های تبلیغی نوین و اصلاح و احیای روش های سنتی در تبلیغات اسلامی.
۴- تدوین و انتشار کتب و نشریات مناسب و ضروری به منظور معرفی فرهنگ و تمدن اسلامی، و تبیین مواضع انقلاب اسلامی و انجام پژوهش های لازم بویژه در زمینه نظام تربیتی و مبانی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی حکومت اسلامی و حمایت از پژوهشگران متعهد.

۵- برنامه ریزی، زمینه سازی و انجام اقدامات لازم برای هر چه فعال تر شدن افراد تاثیر گذار مانند: روحانیون، دانشگاهیان، معلمان و هنرمندان در جهت رشد فرهنگ اسلامی و مقابله با آثار نامطلوب فرهنگ های بیگانه.
۶- همکاری با وزارتخانه ها و دستگاه های دولتی و وابسته به دولت و نهادهای انقلابی به منظور تعمیق و گسترش فرهنگ و معارف اسلامی در محیط سازمان های دولتی و نهادهای انقلابی.

۷- هدایت و حمایت انجمن های اسلامی و تشکل های اسلامی - مردمی و نظارت بر آنها.

۸- نظارت بر چاپ و نشر قرآن کریم و انجام فعالیت های قرآنی از طریق تربیت مربی، تدوین جزوات آموزشی، و همکاری با وزارتخانه های ذیربط جهت گسترش آموزش و معارف قرآن کریم.

چه قدر شایسته است که اگر از چیزی از خود در چنته نداریم بدون افکار تعصب آمیز از دیگران الگو بگیریم و موارد ارزش مند آنها را سرلوحه فعالیت های فرهنگی و... خود قرار دهیم. برآستی کدام نهاد فرهنگی ما، به جرأت می تواند ادعا کند به اندازه نهاد مذکور فعال و جامع است؟ به امید روزی که افراد دلسوز با افکار بلند و آینده نگر، اوضاع نابسامان فرهنگی کشورمان را بهبود بخشند.

راهکارهای پیشگیری از آدم ربایی

سیدمحمد هاشمی

آدم ربائی (اختطاف) در افغانستان

هرچند پدیده شوم اختطاف در افغانستان موضوع تازه ای نبوده و انگیزه های کسانی که این جرم را مرتکب می شوند نیز یکسان نیست، اما چندسالیست (سال ۸۵ تا به حال) که توسعه آن چشم گیر و نگران کننده است. در این باره دیدگاههای زیادی از سوی افراد مسؤول و غیرمسؤول درباره علل و عوامل اختطاف مطرح شد اما در عمل، کار قابل قبول و چشم گیری تا بحال دیده نشده و راههای برون رفت از این معضل اجتماعی نیز کمتر مورد توجه قرار گرفته و بلکه راهکاری بیان نشده است.

حال سؤال این است که راه های درمان این بیماری صعب العلاج چیست و چه تدابیری برای ریشه کن شدنش باید مد نظر قرار گیرد؟

آدم ربایی جرمی است که از گذشته های دور وجود داشته و قانونگذار اسلامی نیز در مورد آن سکوت نکرده و احکامی را در مورد ربودن انسان بیان کرده است. جرم آدم ربایی و مخفی کردن دیگری دو مصداق از جرایم علیه اشخاص است که علاوه بر سلب آزادی و صدمات بدنی که ممکن است به شخص ربوده شده وارد شود، بیشتر شخصیت معنوی قربانی جرم، مورد تعرض قرار می گیرد.

آدم ربایی به معنای سلب آزادی تن است؛ مخفی کردن هم، سلب آزادی تن دیگری بدون رضایت او و به قصد نامشروع از طریق پنهان کردن افراد در محلی می باشد.

آدم ربائی ها با هر انگیزه ای که صورت بگیرند، ناگوارترین پیامد آن، مخدوش ساختن امنیت روانی افراد جامعه است.

دروسته پیش روتلاش شده عواملی که به نظرمی توانند نقش پیش گیرانه از بروز اختطاف داشته باشند، ارائه شود. قبل از پرداختن به این مبحث باید عوامل ناامنی و اختطاف به صورت عمومی و به شکل علمی ریشه یابی شود، تا بتوان با طرح و برنامه های صحیح این معضل را از بین برد. در یک نگاه کلی می توان آنرا به چند عامل اصلی تر نسبت داد و انگیزه های احتمالی آنرا در چند مورد خلاصه کرد:

- ۱- انگیزه های سیاسی و هدفدار
- ۲- انگیزه های شخصی و مجرمانه
- ۳- گروگانگیری به قصد اخاذی و باج گیری.
- ۴- انگیزه های ماجراجویانه و بی هدف.
- ۵- انگیزه های مرتبط با قاچاق مواد مخدر.





می دهد رفتار را تمرین کند. تمرین بخش مهمی از شیوه ی، آموزش مهارت‌های رفتاری است.

۴- پسخوراند : پس از اینکه یادگیرنده رفتار را تمرین کرد، مربی باید بلافاصله پسخوراند (پاداش) فراهم کند. پسخوراند شامل تحسین، یا تقویت کننده های دیگری در مورد عملکرد صحیح است. در موقع لزوم، پسخوراند همچنین شامل تصحیح اشتباهات یا آموزش بیشتر در مورد چگونگی بهبود عملکرد است.

چریل پوچه به منظور آموزش مهارت‌های پیشگیری از آدم ربایی به کودکان پیش دبستانی، از الگو دهی، آموزشها، تمرین، و پسخوراند استفاده کرد. او به کودکان پیش دبستانی چگونگی پاسخ دادن به بزرگسالانی که سعی می کنند کودکان را فریب دهند و ببرند، آموزش داد.

پوچه نقشهای واقعی ای را تنظیم کرد که طی آن، بزرگسالی در زمین بازی به سمت کودک می رود و از او می خواهد که با او همراه شود. بزرگسال

معمولا از ۴ شیوه همزمان به منظور آموزش مهارت‌ها استفاده می شود.

۱- الگو دهی : با الگو دهی، رفتار صحیح برای یادگیرنده نشان داده می شود. یادگیرنده رفتار الگو را مشاهده و سپس الگو را تقلید می کند. برای موثر واقع شدن الگو دهی، یادگیرنده باید دارای مهارت‌های تقلیدی باشد. الگو دهی ممکن است زنده یا نمادی باشد. در الگو دهی زنده، شخص دیگری رفتار مناسب در موقعیت مناسب را نمایش می دهد. در الگو دهی نمادی، رفتار صحیح از طریق نوار ویدئویی، نوار شنیداری و یا احتمالا از طریق کارتون یا فیلم نمایش داده می شود.

۲- آموزش : با آموزش، رفتار مناسب برای یادگیرنده توضیح داده می شود. برای موثر بودن، آموزش باید اختصاصی باشد. در آموزش باید دقیقا رفتارهایی توضیح داده شود که از یادگیرنده انتظار اجرای آن می رود.

۳- تمرین : تمرین فرصتی است برای یادگیرنده تا پس از آموزش یا مشاهده ی الگویی که رفتار را نشان

به نظر میرسد کارآمدترین راه مقابله با اختطاف یافتن راه حل مناسب برای مبارزه «با عوامل» این پدیده ضد اخلاقی و ضد انسانی است. پس از بحران آدم ربایی با اهداف سیاسی، که عمدتاً به طالبان و گروه‌های مسلح و شبه نظامیان وابسته به آنها نسبت داده می شود؛ اختطاف هایست که توسط انسانهای طمع کار یا بیکارا، صورت می گیرد و اینان دست به ربودن فامین (بیشتر اطفال و نوجوانان) تجار و اشخاصی که از وضعیت مالی خوبی برخوردارند می زنند. یعنی در این گونه موارد اهداف اقتصادی مدنظر گروه است. راهکارهای پیش گیرانه ی که مدنظر است، عمدتاً با توجه به این گونه آدم ربایی مورد بحث قرار گرفته است.

راهکارها

الف: آموزش مهارت‌های رفتاری
یکی از عوامل پیشگیری از آدم ربایی، تکنیک آموزش است که از کارایی قابل توجه برخوردار است. اینگونه آموزش هم در سطح بزرگ سالان و هم خرد سالان مطرح است. مناسبانه در افغانستان فرایند آموزش در هر دو گروه سنی مورد بی توجهی قرار گرفته است؛ در حالی که در کشورهای توسعه یافته، افراد از سنین کودکی این دوره را میگذرانند.

می گوید: ((سلام، من یک اسباب بازی در اتوموبیلم دارم، فکر می کنم دوست داشته باشی. با من بیاتا آن را به تو بدهم)).

مهارتهایی که کودک یاد می گیرد این است: ((نه، باید از معلم خود سؤال کنم)) و به طرف مدرسه می دود.

مربی کودک را بخاطر عملکرد صحیح تشویق می کند و اگر فقط بخشی از پاسخ صحیح بود، مربی به آموزش ادامه می دهد. کودک دوباره در ایفای نقش، رفتار را تمرین می کند تا تصحیح شود. سپس در مورد انواع مختلف دامهای آدم ربایی، آموزش می بیند تا در موقعیت های گوناگون، پاسخ صحیح را بدهد!

ب) بالابردن سطح ارزشهای دینی و اخلاقی

در این خصوص هم آموزه های دینی و هم ارزشهای سنتی مثبت وجود دارند که می باید بوسیله گروههای مرجع قومی و دینی (علماء و طلاب) و نهادهای فرهنگ ساز مانند رادیو و تلویزیون و نشریات، فرهنگ سازی شود. به گونه ای که با بهره گیری از این ارزشها، فضای روانی لازم بوجود آید تا آدم ربائی بصورت یک امر ضد ارزشی دینی و سنتی افغانها در ذهنیت عامه مردم احیا شود. تنها در چنین صورت

و حاکم شدن فضائی است که می توان انتظار داشت آدم ربائی به عنوان یک عمل ضد ارزش های دینی و سنتی در ذهنیت جامعه رسوخ کرده و عامل بازدارنده مهمی برای کنترل این پدیده باشد ازسوی دیگر تقویت اصول اخلاقی مانند اصل ضرروزیان نرساندن به دیگران، اصل خیرخواهی، اصل عدالت بمعنای رفتار مناسب بامردم یا برخورداری عادلانه شخص از امکانات^۲ می تواند از ربایش افراد ممانعت کند.

ج) تقویت نهادهای ذیربط

در این مورد در وهله اول کمی و کاستی که در نیروهای امنیتی و پولیس وجود دارد، شناسایی شوند و در مرحله بعد تشکیلات و امکانات پولیس توسعه یابد و در نهایت باید ایجاد تغییرات کلی در سطح رهبری فرماندهی پولیس افراد متخصص و آگاه به جای افراد غیر مسلکی و ناآگاه بکارگمارده شوند و ضمن اعطای صلاحیت های بیشتر به فرماندهی جدید، کاستی ها اصلاح و همکاری متقابل پولیس ملی، اردوی ملی، پولیس سرحدی، نظم عامه، نماینده دادستانی و شورای ولایتی تحت فرماندهی پولیس به منظور جلوگیری، کاهش و محو نا امنی و آدم ربایی بیش از پیش تقویت شود و در

ارگان های قضایی و سارنوالی اصلاحات به وجود آید.

د) اشتغال زایی

بر اساس آمارهای دریافتی و کلای کشور، فقر و بیکاری عامل عمده ای اختطاف را تشکیل می دهد، زیرا اکثر افراد بخاطر داشتن زندگی مسالمت آمیز و امرار معیشت خانواده هایشان حاضرند دست به هر گونه اعمال نامشروع بزنند.

فقر اقتصادی، باعث به وجود آمدن باندهای مافیایی شده است که برای دریافت پول و قطع اعضای بدن اطفال و زنان مرتکب جرم اختطاف می شوند. علاوه بر آن به دنبال ورشکستگی برخی کارخانه ها، افراد زیادی بیکار گردیده اند، که این مساله سبب شده تا گروه های یاغی در کشور تشکیل شوند و در ناامنی و آدم ربایی تاثیر گذار باشند.

لذا حمایت های جدی و دلسوزانه از تاجران یکی از راهکارها پیشگیرانه از اهمیت زیادی برخوردار است. هرگاه تاجری اختطاف می شود، باعث می گردد که دیگر تاجران سرمایه خود را از کشور خارج کنند و فعالیت اقتصادی خود را متوقف نمایند، لذا این مسئله

۱- (ریموند میلتن برگر، شیوه های تغییر رفتار، ترجمه علی فتحی آشتیانی و هادی عطیمی آشتیانی، ص ۳۳ مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۸).

۲- (سیدمصطفی محقق داماد، درآمدی بر اخلاق زیستی، ص ۱۵۲-۱۵۰، مؤسسه فرهنگی حقوقی سینا، چاپ اول، ۱۳۸۸).

باعث بیکاری عده زیادی از افراد جامعه می گردد و در پی آن، این افراد ناچارند برای امرار معاش دست به اعمالی بزنند که ثمره آن اخلال امنیت در جامعه خواهد بود.

همچنین احداث کارخانه های مختلف با حمایت و پشتیبانی دولت و بخش های خصوصی و مشغول شدن افراد بیکار در آنها عامل تعیین کننده در پیش گیری از آدم ربایی است.

ز) برخورد قاطع با اختطاف گران
به باور برخی از کارشناسان مسایل حقوقی، اکثر عاملان آدم ربایی، مورد پیگرد قانونی و تعقیب جزایی قرار نمی گیرند و تا زمانی که مجرمین یا آدم ربایان مجازات و مورد پیگرد قانونی قرار نگیرد و قاطعانه برخورد نشود، ریشه کن ساختن آن کاریست بسیار دشوار. کشور ما بهترین قوانین جزا را برای کیفر مجرمین و جنایتکاران دارد، لذا تطبیق اجرای درست و بموقع آنها از سوی مسئولین نهاد های عدلی و قضایی کشور باعث ریشه کن شدن اختطاف از جامعه شده و اقدامات اختطاف کننده گان را مختل ساخته و

و باعث افزایش هنجاری های حقوقی و اجتماعی می شود. این هنجارها نهادینه نمی شوند مگر با مجازات عادلانه و قاطعانه مجرمین بر اساس قوانین اسلامی کشور تا اینگونه مجازات ها درس عبرتی باشد برای کسانی که فکر پلید آدم ربایی را در سر می پروراندند.

نتیجه

بدون تردید راههای پیش گیری از آدم ربایی منحصر در موارد ذکر شده نیست (به اصطلاح طلاب لازم است ولی کافی نیست) لذا نیاز است عوامل آدم ربایی از طرف دولت به طور دقیق بررسی گردیده و ریشه های اصلی این جرم پیدا و ریشه کن شود و با این پدیده شوم به شکل عاطفی برخورد نشود.



رشوه خواری بامکارهای مقابله با

۱- رشوه در درقرآن

سید علی حسینی

وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَ
تُدُلُّوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ
أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ

(آیه ۱۸۸ بقره می‌فرماید)

و اموال یکدیگر را به باطل (و ناحق) در میان خود نخورید! و برای خوردن بخشی از اموال مردم به گناه، (قسمتی از) آن را (به عنوان رشوه) به قضات ندهید، در حالی که می‌دانید این کار، گناه است.

این آیه اشاره به یک اصل کلی و مهم اسلامی می‌کند که در تمام مسائل اقتصادی حاکم است، و به یک معنی می‌شود تمام ابواب فقه اسلامی را در بخش اقتصاد، زیر پوشش آن قرار داد، و به همین دلیل فقهای بزرگ ما در بخشهای زیادی از فقه اسلامی به این آیه تمسک می‌جویند.

منظور از باطل در آیه به دلیل عمومیت مفهوم آن اموالی است که از روی غضب و ظلم به دست می‌آید. مثل مال بدست آمده از طریق قمار، سوگند دروغ و انواع پرونده سازی های دروغین، رشوه ... همه اکل مال به باطل است.^۱

به اهداف و مقاصد خود می‌رسند و اقشار ضعیف و فقیر حتی قادر به دریافت حق خود نیز نخواهند بود و در این چنین فضای بی عدالتی، هر کسی نفوذ و پول بیشتری داشته باشد، برنده و پیروز است نگارنده در این مقاله سعی بر آن دارد تا حرمت رشوه را برای آن عده از مسلمانان که این مقاله را می‌خوانند، یادآور شود و در نظر ندارد بحث اجتهادی دقیق رامطرح یا فتوای را اثبات ونفی نماید. با این هدف رشوه را از منظرقرآن روایات اجماع مسلمین وعقل مورید بررسی قرارخواهیم داد.

رشوه عبارت است از دادن مالی منقول یا غیر منقول و یا وجه نقد به کسی برای انجام کار یا تسریع در انجام مقصود خود یا باطل کردن حق یا حق جلوه دادن باطل.

یکی از بلاهای جوامع انسانی و نابود کننده عدالت و حقوق افراد جامعه رشوه و رشوه خواری است که از گذشته تا به امروز رواج داشته است و تحت عناوینی همچون هدیه، تعارف، حق و حساب، حق الزحمه، انعام، شیرینی و ... وجود داشته و دارد.

«برای اخذ تذکره رفتم وزارت داخله سر درب اداره نوشته بود هزینه‌ی صدور تذکره ده افغانی وقت وارد اداره شدم از قضیه بی خبر بودم چندین نفر بعد از من کار شان راه افتادند و رفتند من سؤال کردم مشکل کارمن چیست؟ به لهجه گفت: بیا درک دوصد افغانی. من از پرداخت این مبلغ امتناع نمودم به یک مقام ارشد آنها گفتم قضیه این است جواب داد راه چاره غیر از این نیست.»

رشوه، آثار سوئی بر جامعه و حکومت اسلامی دارد و باعث ایجاد بی عدالتی و پایمال شدن حقوق افراد جامعه خواهد شد. طبقات با نفوذ و دارای تمکن مالی با پرداخت رشوه به راحتی

۴- فتوای مراجع

در باره حکم رشوه باید گفت: پرداخت کردن و دریافت کردن رشوه حرام است^۱، و در حرمت گرفتن رشوه فرقی نمی کند چه از فرد مسلمان آن را بگیرند و یا از فرد کافری که مال او محترم است^۲ و اگر کسی به عنوان رشوه چیزی را از دیگری بگیرد مالک آن نخواهد شد و واجب است که مال گرفته را به صاحب آن برگرداند^۳ و حق ندارد در آن مال تصرف کند.^۴

در آیه ۴۲ سوره مائده می فرماید: «سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَلُونَ لِلسُّخْتِ» السحت: در این آیه به معنی مقداری گوشت بدن انسان است که از جسم آدمی جدا می شود و پر از میکروبیهای فاسد است. آنچه اینان از اموال مستضعفان می خورند همین گوشت گندیده و ناپاک است که خورنده را جز مرگ چیزی عایدش نمی شود.^۱

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ السُّخْتُ ثَمَنُ الْمَيْتَةِ وَ ثَمَنُ الْكَلْبِ وَ ثَمَنُ الْخَمْرِ وَ مَهْرُ الْبَيْعِ وَ الرِّشْوَةُ فِي الْحُكْمِ وَ أَجْرُ الْكَاهِنِ؛ بهای میت، و بهای سگ، و بهای شراب، و مهر زانیه، و رشوه در قضاء، و مزد کاهن از اقسام سحت و از مکاسب حرام و یلید است.^۲



۲- رشوه در روایات

در مورد حرمت رشوه روایات فراوان نقل شده است.

از جمله روایت را مرحوم کلینی در اصول کافی نقل می کند: «عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ

۳- اجماع مسلمین

اما تنها در یک صورت پرداخت رشوه مجاز است و آن در جایی است که فردی صاحب حق باشد، ولی برای به دست آوردن حق خویش هیچ راهی جز پرداخت رشوه نداشته باشد.^۴

محقق ثانی در جامع المقاصد (ج ۴، ص ۳۵) و شهید ثانی در مسالک (ج ۳، ص ۱۳۶) فرموده اند: به اجماع مسلمین اعم از شیعه و اهل سنت رشوه حرام است.^۲

۱- تفسیر هدایت، ج ۲، ص: ۲۲۹

۲- کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، الکافی (ط- الإسلامية)، ۸ جلد، دار الکتب الإسلامية، تهران - ایران، چهارم، ۱۴۰۷ هـ ق، نگ: من لا یحضره الفقیه - ترجمه: ج ۶، ص: ۲۹۱

۳- مکاسب محرمة شیخ انصاری ف یحث رشوه ننگ: شرح مکاسب علی محمدی ج ۲ ص ۴۹.

۴- امام خمینی، توضیح المسائل المحمّدی، ج ۲، ص ۹۱۳، چاپ هشتم، جامعه مدرسین قم، سال ۱۴۲۴ ق؛ بهجت، محمد تقی، جامع المسائل، ج ۲، ص ۴۱۲، چاپ اول، بی تا، قم، بی تا؛ خامنه ای، سید علی، اجوبه الاستفتات، ص ۳۷۲

۵- توضیح المسائل المحمّدی از امام خمینی، ج ۲، ص ۹۱۳.

۶- همان و اجوبه الاستفتات، ص ۲۷۳.

۷- اجوبه الاستفتات، ص ۲۷۳.

۸- توضیح المسائل المحمّدی الامام خمینی، ج ۲، ص ۹۸۳.

می توانیم جهت تسریع امور، مبلغی را به مسئول پیردازید تا مراحل کار شما را کمی سریع تر انجام دهد. یا خارج از وقت کاری مبلغ را از شما دریافت و کار شما را انجام دهد.

هیچ نگران نباشید این رشوه حرام نیست چرا که نه به کسی ضرر زده اید نه حقی ضایع کرده اید، فقط برای رسیدن به حق خود، مبلغی را به عنوان هدیه، کارمزد، و... پرداخت کرده اید.

سیستانی: رشوه خواری کارمند برخلاف قرارداد کارمندی است و جایز نیست ولی پرداختن آن در وضع موجود و در غیر مورد قضاوت اگر مستلزم تضییع حق دیگران نباشد حرام نیست گرچه گرفتن آن جایز نیست.^۶

مکارم شیرازی: رشوه خواری در باب قضاوت مطلقاً حرام و از گناهان کبیره است و در غیر باب قضاوت چنانچه برای انجام کار خلافی پرداخته شود آن نیز حرام است.

ولی دادن وجهی برای تسریع در کار حلال، بدون آن که حقی باطل و باطلی حق یا نوبتی ضایع شود برای دهنده اشکالی ندارد ولی گیرنده اگر در برابر انجام وظیفه وجهی دریافت کند برای او جایز نیست.^۷

استثناء باب رشوه

بنا براین گرفتن رشوه در همه موارد حرام و برای پرداخت کننده فقط یک استثنا دارد مثلاً: اگر کار شما در اداره ای گیر کرد و احساس کردید کار مربوط به شما در این وقت که مال شما بوده روند کندی را دارد!

اما حتی در همین صورت هم، گرفتن رشوه برای طرف مقابل جایز نیست و از حرمت خارج نمی گردد. به عبارت دیگر، رشوه گرفتن در تمام صورت ها حرام است چه برای احقاق حق، و چه برای ابطال باطل و چه برای احقاق باطل و چه برای ابطال حق پس در هیچ موردی و بر هیچ کارگزاری مجاز نیست که برای احقاق حقوق مسلم دیگران رشوه دریافت کند، گرچه پرداخت رشوه بدون اشکال است.^۸

امام، بهجت، خامنه‌ای، صافی، فاضل، مکارم و نوری: پرداخت پول یا اموالی، از سوی مراجع کننده، به کارمندان اداره ها- که وظیفه ارائه خدمات به مردم را دارند- منجر به فساد اداره ها خواهد شد که از نظر شرعی حرام است. گرفتن آن بر دریافت کننده نیز حرام است و حق تصرف در آن را ندارد.^۹

تبریزی، سیستانی و وحید: رشوه دادن در غیر باب قضاء برای گرفتن حق جایز است، ولی گرفتن آن بر کسی که وظیفه اش ارائه کار و خدمت است، جایز نیست.^{۱۰}



۱- سیستانی، سید علی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۱۶، نرم افزار فوق: فاضل، محمد، القضاء و الشهادات، ص ۳۳، چاپ اول، مرکز فقه الائمة الاطهار (ع) قم، ۱۴۲۰ هـ. ق.
 ۲- امام، تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب القضاء، م ۶۶ فاضل، جامع المسائل، ج ۱، ص ۸۷۲ مکارم، استفتاءات، ج ۲، ص ۶۶۴ و ۶۶۵ صافی، جامع الاحکام، ج ۳، ص ۱۵۴۰؛ خامنه‌ای، اجوبة الاستفتاءات، ص ۱۴۴۶ و ۱۴۴۷؛ بهجت، توضیح المسائل، متفرقات، م ۱۶.
 ۳- تبریزی، استفتاءات، ص ۹۹۹ وحید، منهاج الصالحین، ج ۳، م ۳۲ سیستانی، نرم افزار پرسنل، به
 ۴- کتاب مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع به نقل از سایت تبیان.

آیا برای اخذ تذکره اگر دیگران رشوه نمی دادند و رشوه خواران به این کار حرام عادت نمی کردند کار من معطل می ماند؟

ایا آنها با پرداخت رشوه حق کسی را که قدرت مالی ضعیف تر دارد پای مال نکرده اند؟

آیا ممکن است پرستار که به غیر از حقوق خود از شما مبلغ را دریافت می کند به سایر بیماران همان نگاه را داشته باشند؟

آیا بپرداخت رشوه در ساخت و ساز همه ی پرونده ها به یک نحو بررسی می شود یا پرونده شما از دید مسئول بالا تر مخفی و بعدا رسیدگی میشود؟

مثال و نمونه ای عینی برای مسئله رشوه نمی توان یافت که در آن حقی ضایع نشود و یا مفسده ایی نداشته باشد و یا باعث شیوع و ترویج مفسده ایی نشود. رشوه تحت هر شرایطی همراه با فساد است و از نظر اسلام هر امری که موجب مفسده و فساد شود گناه و حرام است.

رشوه در موادی پرداخت می شود که شخص خواسته ای غیر معمول دارد و در ازای انجام خواسته غیر معمول و اغلب غیر قانونی خود، رشوه می دهد.

و حق المشاوره این افراد را پرداخت کرده اید.

اگر بیماری در بیمارستان دارید و احساس می کنید پرستاران به خوبی به او رسیدگی نمی کنند می توانید با پرداخت مبلغی به پرستاران از آن ها خواهش کنید، مدت بیشتری را صرف بیمار شما کنند.

نگران نباشید این نوع رشوه هم حرام نیست و حق بیماران دیگر ضایع نخواهد شد چرا که پرستاران به همه بیماران رسیدگی می کنند و فقط به بیمار شما به صورت ویژه رسیدگی می کنند و شایسته است شما مبلغی را به او پرداخت کنید.

چند سوال

چطور ممکن است رشوه ای داده شود اما حقی ضایع نشود؟

چطور ممکن است شخصی حاضر به پرداخت رشوه شود در حالی که بدون رشوه هم کار او انجام می شود؟

چگونه مسئول رسیده گی پرونده همان گونه که به پرونده ای شما رسیده گی می کند به سایر پرونده هارسیده گی کند؟

اگر در امور ساخت و ساز خود دچار مشکل شدید و در ادارات سرگردان بودید، می توانید جهت تسریع در کار خود و دریافت مشاوره و کمک، مبلغی را به یکی از افراد مسئول و یا حتی غیر مسئول (مثلا ابدارچی) با واسطه و یا بی واسطه پرداخت نماید تا از این بلاتکلیفی نجات پیدا کنید.

نگران نباشید این رشوه حرام نیست چرا که نه به کسی ضرر زده اید نه حقی ضایع کرده اید و فقط حق زحمه



آسیب شناسی، رشوه و رشوه خواری در نظام اداری

رشوه مانند عفونتی است که اگر بر اندام جامعه نفوذ پیدا کند اعضای آنرا یکی پس از دیگری آلوده میکند و از کار می اندازد و این عفونت کل پیکره جامعه را فاسد می سازد.

رشوه در سازمانها و ادارات دولتی تحت دو عامل شکل می گیرد

الف: ضعف شخصیتی

در یک سازمان اداری دریافت رشوه تحت اختلال شخصیتی فرد کار مند تحقق می یابد فرد بر اساس کمبودهای شخصیتی کم اطلاعی از احکام اسلامی و جهل نادانی الگوهای سوء، یا کمبود توان مادی، مرتکب اخذ رشوه میگردد.

مولوی

تا تو رشوت نستی، بیننده ای چون طمع کردی، ضریب و بنده ای

سعدی

قاضی که به رشوت بخورد پنج خیار ثابت کند از بهر تو صد خربزه را



رشوه ، ممکن است در زمان رشوه دادن ظاهرا همراه با تزییع حقی نباشد اما حقیقت چیز دیگری است ، همین امر رشوه ولو در امور ثواب هم در دراز مدت اثراتی به مراتب خطرناک تر و فجیح تر دارد.

ای مسئول ، ای مدیر ، ای کارمند ، ای وکیل ، ای وزیر ، ای مردم ... ، بدان فردا روز از تو خواهند پرسید ، انسانیت را به چه قیمت فروختی؟! به قرآن قسم ، به پیغمبر اسلام قسم ، رشوه بر اساس قرآن و سنت اجماع و عقل و وجدان حرام و نجس است ، نجس تر از گوشت سگ، مگر آنکه ما خود را مسلمان ندانیم یا بگوییم این آیات و روایات برای غیر مسلمانان است!!

رشوه حتی برای یک امر نیک و ثواب هم حرام است.

مثلا شخصی بگوید ما رشوه می دهیم تا مجوز ساخت فلان مسجد را در فلان محل بگیریم ! این رشوه نیز حرام است ، مگر می شود مانعی در کار نباشد ، پایمال شدن حق کسی در کار نباشد و آن وقت در ازای انجام آن کار رشوه داده شود.

کدام عقل سلیمی قبول می کند که رشوه ایی داده شود اما حقی ضایع نشود ، عملی غیر قانونی انجام نشود ، نوبتی عقب و جلو نشود ، شخصی یا فردی ناراضی نشود ، خواسته غیر معمولی اجرا نشود ، حق بیشتری به کسی داده نشود ، نفعی برده نشود و ...

ب: ضعف نظارت مدیریتی

فرهنگ اداری یکی از بهترین راهکارهای شناخت افراد بوده و میتواند در رفتار اعضاء اداره موثر باشد و نقش مهمی در نظارت بر رفتارهای کارکنان و پیشگیری از فساد اداری ایفا می نماید، اما اگر مدیران جامعه و مسئول یک اداره ضعف مدیریتی داشته باشد یا خود الگوی برای دور زدن قانون و اخذ رشوه در اداره محسوب شود، تکلیف سایر اعضا روشن است چه بسا رقابتی بین کارمندان آن اداره برای اخذ رشوه ایجاد شود که بجای انکار از کار خود، به دفاع برخیزند!

راهکارهای پیشگیری و مقابله با رشوه خواری**۱. هویت بخشی**

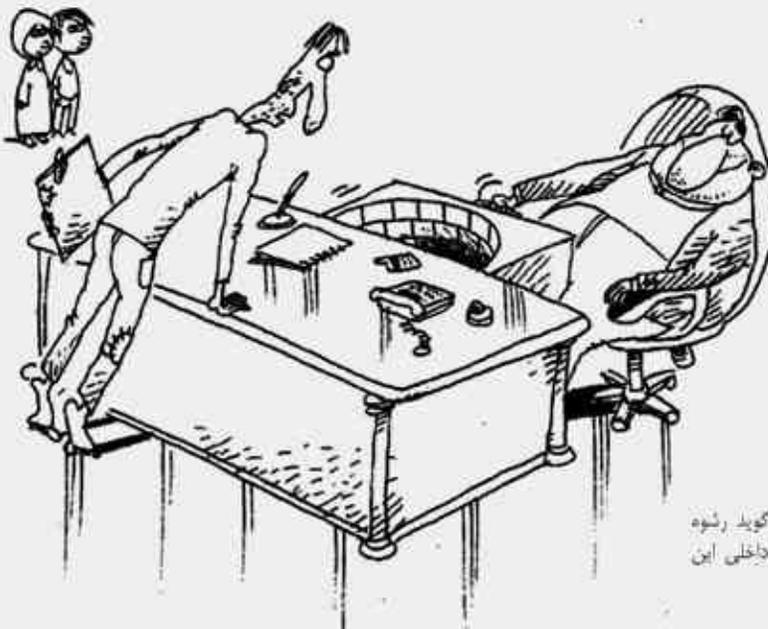
فرهنگی کردن سازمانها و ادارات دولتی با تشویق های هویت بخشی، فراهم نمودن استقلال شخصیتی و مادی در افراد، می تواند هویت را در وجود اعضاء سازمان یا اداره تزریق کند و فرد احساس تعهد نموده موجب ثبات و پایداری نظام اجتماعی گردد.^۱

۲. تقویت اخلاق و اعتقاد

بخش اعظمی از مشکلات، آسیبهای اجتماعی، معلول تربیت غلط و آموزش ناسالم است. هر گاه انسان از نظر اخلاقی و اعتقادی، تربیت سالم داشته باشد و به این مرحله از باور برسد که اعمال کوچک و بزرگ و خوب و بد او، در دادگاه عدل الهی دقیقاً محاسبه می شود و کیفر و پاداش متناسب با آن، بلکه شدیدتر و قوی تر را به دنبال خواهد داشت، دست و پای خود را جمع خواهد کرد و هر قدر این باور و اعتقاد نسبت به احکام الهی و اسلامی و اخلاق انسانی بیشتر شود، ضریب اعتماد و اطمینان و درستکاری در بین آحاد جامعه، سیر صعودی پیدا خواهد کرد.

۳. کاهش فاصله طبقاتی

بخشی از مشکلات اجتماعی، مثل شیوع رشوه خواری، معلول فاصله های طبقاتی است که در رده های مختلف اجتماع به چشم می خورد. هر گاه افراد جامعه متوجه شوند که عده ای با استفاده از پارتی بازی و رشوه دهی، مناصب دولتی را تصاحب کرده و در عرصه های اقتصادی و به دست آوردن ثروتهای بادآورده، یک شبه راه صد ساله را طی کرده و به زندگیشان سر و سامان بخشیده اند، آنان به طمع می افتند و به سمت و سوی خلافتکاری و قانون ستیزی کشیده می شوند؛ ولی در صورتی که «عدالت اجتماعی» در جامعه پیاده شود، قطعاً خیلی از مشکلات و نارساییها، حل و فصل خواهد شد...



۱ - به گزارش سرویس بین الملل فرارو: سازمان ملل می گوید رشوه پرداخت شده در افغانستان معادل یک چهارم تولید ناخالص داخلی این کشور بوده است.

۲ - مقاله، قاسم علی نئی

۴. تقویت نظارت و مدیریت

علی بن ابیطالب (ع) در نامه مشهور خود به مالک اشتر می نویسد: «اگر یکی از آنان (کارکزان) دست به خیانتی گشود و گزارش جاسوسان بر آن خیانت هم داستان بود بدین گواه بسنده کن و کیفر او را با تنبیه بدنی بدو برسان و آنچه بدست آورده بستان، پس او را خوار بدار و خیانتکار شمار، و طوق بدنامی در گردنش درآور» در جامعه اسلامی باید با رشوه خواری برخورد قاطع، در انتظار مردم صورت گیرد تا درس عبرت برای دیگران باشد. هنگامی که به حضرت علی (ع) خبر می رسد که «ابن هرمة» - که از جانب «رفاعة بن شداد» مأمور نظارت بر بازار اهواز بود - خیانت کرده و از بازاریان، رشوه و باج گرفته است، آن حضرت به «رفاعة» نامه می نویسد و به او دستور می دهد این هرمة را از کار برکنار کن و به اطلاع مردم برسان و او را زندانی کن و اعلام نما؛ هر کسی شکایتی دارد، بیاید، و ضمناً برکناری او را به تمام کارگزاران اعلام کن! سعی نما در برابر کاری که از تو خواسته ام، دچار غفلت و سستی نشوی که دچار هلاکت می شوی و به بدترین شکل تو را عزل می کنم.

در هر جمعه او را از زندان بیرون بیاور! اولاً سی و پنج تازیانه به او بزن، ثانیاً اعلام کن هر کسی نسبت به او شکایتی دارد، با شاهد بیاید و بعد از اثبات حق شاکی، از اموال «ابن هرمة» حق او را بده و مجدداً با خواری و ذلت او را به زندان ببر و پای او را در غل و زنجیر کن و فقط هنگام نماز او را آزاد بگذار!»^۱

نظارت دقیق و حساب شده بر ادارات، مدیران، کارمندان، زیر مجموعه ها و برخورد قاطع با افراد متخلف و قانون ستیز، یکی از بهترین وسیله و ابزار، برای جلوگیری از فساد اداری به حساب می آید. از این رو، مدیریت کلان جامعه باید با کنترل و نظارت، افراد سودجو و متخلف را شناسایی و از بدنه نظام اخراج کنند اگر سیره عملی حضرت علی (ع) و ائمه (ع) در زندگی فردی و اجتماعی ما مراعات شود و یا با چند مورد از متخلفین، آن گونه که امام علی (ع) می فرمایند، برخورد قاطع و جدی صورت گیرد، قطعاً افراد سودجو و متخلف، متوجه می شوند و سر تسلیم در برابر قانون فرود خواهند آورد!

منابع

۱. شیرازی، مکارم، تفسیر نمونه، ج ۲، ص: ۴
۲. سیستانی، سید علی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۱۶.
۳. فاضل، محمد، القضا و الشهادات، ص ۳۳، چاپ اول، مرکز فقه الائمه الاطهار (ع)، قم، ۱۴۲۰ ه.ق.
۴. اجوبة الاستفتاءات، ص ۲۷۳.
۵. امام خمینی، توضیح المسائل المحشی، ج ۲، ص ۹۱۳، چاپ هشتم، جامعه مدرسین قم، سال ۱۴۲۴ ق.
۶. بهجت، محمد تقی، جامع المسائل، ج ۲، ص ۴۱۲، چاپ اول، بی ناشر، قم، بی تا.
۷. خامنه ای، سید علی، اجوبة الاستفتاءات، ص ۲۷۳.
۸. امام، تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب القضا، م ۶
۹. فاضل، جامع المسائل، ج ۱، ص ۹۷۲.
۱۰. صافی، جامع الاحکام، ج ۴، ص ۱۵۴۰.
۱۱. خامنه ای، اجوبة الاستفتاءات، ص ۱۲۴۶ و ۱۲۴۷.
۱۲. بهجت، توضیح المسائل، متفرقات، م ۱۶.
۱۳. تفسیر هدايت، ج ۲، ص: ۳۲۹.
۱۴. توضیح المسائل المحشی از امام الخمينی، ج ۲، ص ۹۱۳.
۱۵. کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية)، ۸ جلد دار الکتب الإسلامية، تهران - ایران، چهارم، ۱۴۰۷ ه. ق.

۱ - مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۴۲۰

۲ - ماهنامه اطلاع رسانی، پژوهشی، آموزشی مبلغان شماره ۲۹ به تقاربخش اخلاق و عرفان اسلامی تبیان.



۱۶. من لا يحضره الفقيه - ترجمه: ج ۴ ص: ۲۹۱.
۱۷. مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۴۳۰.
۱۸. مقاله، قاسمعلی نبی.
۱۹. مکاسب محرمة شیخ انصاری ف بحث رشوه.
۲۰. ماهنامه اطلاع رسانی، پژوهشی، آموزشی مبلغان شماره ۷۹ به نقل از بخش اخلاق و عرفان اسلامی تبیان.
۲۱. کتاب مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع به نقل از سایت تبیان.



دکتر علی اکبر فیاضی

بسم الله الرحمن الرحيم
 اللهم صل على محمد وآل محمد
 وسلم

نابودی کشاند است، دیگر چگونه آنانی که صدایشان صدای اصلاح و زندگی و از طرفی نقد سره از ناسره و انتقاد از جامعه ای که همه چیز آن نبود شده، می توانند در این جامعه بگویند و بنویسند. اما همینها که برای فرهنگ و هنر این جامعه تلاش کرده اند، اگر اثری خلق کرده اند، با تهدید و ارباب رو به رو شده اند، شاید نمونه ای از این گفته ها آن آثاری باشد، که چندی پیش به دریای هیرمند ریخته شد، یکی از این اثرها «گل سرخ دل افکار» محمد جواد خاوری بود، آن روزها که این کتاب به نقد شمشیر و ساتور کشیده شده بود، می دیدم که چقدر ادبیات رسا دارد، متن درسی کلاس خویش قرار دادم از ادبیات دستوری آن بهره بردیم. داستان های

دچار شده اند. موسیقی افغانستان در این سه دهه خاک و خون، ویرانی و زبونی و فرار و بی خانمانی از بین رفت، نه ساریان و نه سرآهنگ و بلتون خواننده محلی که امروزه شنیدن صدای آنها اشک کسانی را که روزی با شنیدن صدای آن ها احساس سرور می کردند سرازیر می کند. جامعه ای که سه دهه است، حاکمیت مدنی، فرهنگی و اجتماعی آن تعادل خویش را از دست داده، دیگر مدینه نیست که نسبت مدنی به آن داد، بیشتر به ویرانه ای میماند که پیکر نیمجان آدم ها در وحشت و تاریکی می لولند و آنانی که توانی دارند، فرار کور را ترجیح می دهند. اگر هم کسی تلاشی می کند، سایه های فقر و نداری میخکوب زنده ماندنشان کرده. در جامعه ای که مدتی است، شمشیر و ساتور سایه افکننده زندگی را علاوه بر فقر و نداری، به

گاه و بیگاه قلمی می لغزد و دردی را بدون زبان به صدا در می آورد یا به عبارتی به تصویر می کشد. گرچه که در دیار ما سالهاست درد ها به زخم چرکینی تبدیل شده که صاحبش رادر خود می پیچاند، در گودال این دردها بیش از همه هنرمندان و فرهنگیان افتاده و کسی در این شهر پرهیا هو صدایی از آن ها نشنیده است. سالهای اولیه فرو افتادن نظم و تعادل اجتماعی کشور بود که ساریان هنر خویش را در خدمت به خلق می سرود، او سالها از بهترین آوازخوان کشور بود، خواندن ساریان شنونده را افسون می کرد، به خود فرو می برد و تفکر را متوجه اش می نمود. سالها محفل هنری و شادی را مزین به صدای دلنشینی می کرد، اما در دیار غربت به تنهایی بعد از رنج و عذاب دوری از وطن و فقر همه را بدرود گفت، خیلی از هنرمندان ما در حدود سه دهه است که به چنین سرنوشتی



خاوری انصافاً بخشی از ادبیات معاصر کشور را می‌سازد، اما چرا جامعه خاوری را بر نتابید؟ شاید امروز دیگر جامعه ما هرکسی را که بخواهد در حیطه فرهنگ و اصلاح و رفع ستم و بی‌داد قدم‌گذار و یا قلم‌گذار نه قدم را بر می‌تابد و نه قلم را. از یاد نمی‌رود، روزهایی که دولت آبادی قبل از سفر به اصطلاح به بلاد فرنگ چه روزهایی که در زیر زمین نمناک نکشید، این پاداش کارهایی قلمی بود که در جهت رو کردن ستمهای چند قرنه زورمداران و معرفی جامعه و تاریخ کشورش کرده بود، مدتی است که قسیم‌اخگر هم به بستر افتاده و خبری از او گرفته نمی‌شود، روزهایی بود که

خیلی از مجلات و روزنامه‌ها و تلویزیونها را قلم و بیان او تداوم می‌داد، اخگر از جامعه روشنفکران دهه پنجا است، او از روزهایی سخن و قلم را برای مردم ما به صحنه آورد که منتقدان اجتماعی به تعداد انگشتان دست نمی‌رسید، اما اینک تنها و بی‌حرکت در بستر بیماری افتاده، آیا سرنوشت همه کسانی که به کشور و خلق می‌اندیشند و می‌نویسند در نهایت چنین خواهد شد، که کسی در را نیز دق الباب نکنند!

نقش علما در فعالیت های تبلیغی رسانه ای

مصاحبه کننده: سید سلیمان حسینی

مصاحبه با مدیر دفتر برنامه ریزی تلویزیون تمدن

اندیشه نو: جناب آقای رئیسی، کارکرد شبکه های دینی در افغانستان چگونه است؟ دورنمایی از فعالیت های شبکه تلویزیون تمدن را برای خوانندگان ما بازگو فرمایید.

آقای رئیسی: در زمینه کارکرد شبکه های دینی، این شبکه ها از سه محور و با سه موضوع در رابطه با مسائل دینی به تولید و پخش برنامه مبادرت می ورزند که عبارتند از:

(الف) مسائل عام المبتلا مثلا در ایام های مختلف و خاصی که پیش رو داریم سیره حضرت پیامبر چگونه بوده.

(ب) مصاحبه با مردم در زمینه های مسائل دینی.

(ج) دعوت از کارشناس دینی و استفاده از نظریات این کارشناس دینی.

با توجه به نقش تبلیغی رسانه های تصویری در باز انگاری اذهان مردم از برآورد های گزاره های دینی و کارکردهای بسیار زیاد رسانه های مختلف در افغانستان تصمیم بر این گرفتیم تا دورنمایی از فعالیت های رسانه های دیداری دینی در افغانستان را بوسیله مصاحبه با آقای محمد عارف قنبرزاده رئیسی مدیریت برنامه ریزی شبکه تلویزیونی تمدن داشته باشیم و از ایشان در رابطه با درصد موفقیت هایشان در راستای جذب مخاطب اطلاعاتی را کسب کرده انشاء الله روشنای سایر عزیزانی باشد که در این زمینه فعالیت دارند. رویکردی که ما در این مصاحبه بدان پرداخته ایم نقش روحانیت در فعالیت های تبلیغی در رسانه ها می باشد.



اما در تمام این برنامه ها دامنظر قابل تامل است و در تمام موارد سعی بر نظر داشت به دوجنبه بیرونی رفتارها و جنبه های درونی رفتارها است بدین وصف که مثلا پیامبر در ماه صفر و یا محرم چه کارهایی انجام میدادند و چه اعمالی برای این ماهها در کتب های معتبر وارد شده است؟

و همچنین ما بخش ویژه مناسبیت هارا داریم که دعوت از علمارا در مناسبیت های ویژه بر عهده دارند که برای گزینش معیارهای خاصی را مد نظر داریم با توجه به وضعیت جامعه افغانستان از اینکه اکثریت برادران اهل سنت هستند برای بخش بسیاری از برنامه ها و تولید آنها دیدگاه متولیان تلویزیون را در نظر داریم.

با توجه به اینکه مردم از ما بعنوان یک تلویزیون دینی انتظار برنامه های مذهبی را دارند به همان مقدار از سایر تلویزیون ها مانند طلوع و... انتظار ندارند. زیرا ملاک ارزش گذاری ها متفاوت است، درست است که در مناسبیت ها و ایام خاص به جهت احترام به مذاهب از بخش بعضی برنامه ها در روز عاشورا جلوگیری میکنند و به تولید

برنامه های دینی مشغولند ولی معیارهایی را که ما در گزینش علما بعنوان کارشناس مذهبی در برنامه هایمان داریم آنها لحاظ نمیکنند و همچنین سانسورهای بسیار زیاد خبری باعث شده تا جلوه های متفاوتی که حاصل کم رنگ و پررنگ جلوه دادن بعضی مسائل حاد مردمی بوده، در سطح جامعه پیدا شود و این نقش رسانه هارا در زندگی امروز مردم افغان بسیار پررنگ کرده چرا که رکن چهارم جامعه ما رسانه ها میباشد ولی با این وجود همین رسانه ها با هرگرایشی باشند با در نظر داشت نیاز مخاطب خویش سعی در تولید برنامه میکنند و این کمال بیعقلی است که بدون مخاطب شناسی کسی بیاید دست به تولید برنامه بزند بطور مثال شبکه طلوع بماند اینکه چه نوع گرایشی دارد در ایام های متفاوت مجموعه برنامه های مختلفی را میسازد و برای مردم نشر میدهد مثلا در ایام ماه مبارک رمضان ویژه برنامه افطار داشت و در ایام محرم نیز مجموعه برنامه های دینی دیگر و در

کنار اینها فیلم موسیقی و شوهای تلویزیونی خویشرا نیز پخش میکنند. چرا که مخاطبش همان را میطلبد و این نمیتواند معیاری برای دیندار بودن و بی دین بودن مسئولین شبکه ها باشد و اگر چنانچه کسی مخاطب ناانگارانه به تولید و نشرات بپردازد بسیار ناکاراآموده و ناشیانه و غیر حرفه ای عمل کرده است.

و این شبکه ها مثلا شبکه امروز، در دوره های قبل برنامه های غیر دینی داشت ولی کم کم دارند به ساخت برنامه های دینی مانند مکتب العلماء و یا دارالعلماء رو می آورند ولی اینکه برای نشرات دینی خویش از چه نوع مبلغینی استفاده میکنند و معیارهایشان چیست این بستگی به سیاست های خودشان دارد مثلا در اینجا کارشناس انتخاب شده برنامه های دینی ما باید شناخت و فهمش از دین بالا باید باشد ولی در آن شبکه ها از منظر مقدار آگاهی دینی چندان لحاظ نمیشود یا اگر هم شود مطابق با سیاست ها و یا معرفت هایشان که از چه طریقی به آنها



صورتی که اینجا افغانستان است و با درنظر داشت حرف شما مبنی بر تا خود آگاه جاری شدن بسیاری از کلمات بخاطر خو گرفتن و سنوات طولانی اسکان در آن کشورها دلیلی بر کاربرد زاید الوصف لهجه های محلی غیر افغانی به صورت کامل نمیشود شاید توجیهی برای ۳۰ یا ۴۰ درصد گفتار باشد. ارتباط بین گوینده و شنونده یا مخاطب باید ارتباطی نزدیک باشد و مخاطب گوینده را از خود بداند تا کلامش را بخرد.

اندیشه نو: بفرمایید برای اجرای بهتر و مؤثرتر فعالیت های رسانه ای خود چه معیارهای را مد نظر قرار می دهید؟
رئیس: برای کارکرد تخصصی باید دو مسئله را درنظر داشت اینکه مخاطب شما از چه قشری هستند:

- ۱ - آیا جامعه علمی و دانشجویمان هستند.
- ۲ - آیا توده اقشار مردم میباشند.

معرفی شده است صورت می گیرد.
اندیشه نو: استاد بفرمایید شما در تهیه و پخش برنامه هاباچه مشکلاتی مواجه هستید؟

آقای رئیس: هر برنامه و شبکه ای مشکلات خاص خودش را دارد. می توان گفت مشکلات ما فقط در انتخاب نیست بلکه ما در برنامه کارشناسی دینی علاوه بر موارد محتوایی، با برداشت مخاطب و مقدار بازدهی و جذب مخاطب روبرو هستیم بطوریکه در یکی از برنامه هایمان از یکی از علماء قم دعوت کردیم در برنامه حضور به هم برسند ولی ایشان در برنامه ای که اجرا کردندحتی واژه تهرودن ایشان تهران نشده بود. خوب گیرم این برنامه از هرجایی پخش شود شاید برای مهاجرین ایران عادی باشد ولی درداخل افغانستان خیلی واکنش بدی داردچرا که از همه شان که بگذریم یک افغانی با افغانی دیگر خود به زبان دیگری گپ بزند این موضوع اینجا انعکاسش بسیار مهم است. افرادی هستند که باعث دوری مخاطب از خود میشوند بخاطر کثرت استعمال لهجه های محلی غیر افغانی در

بعد از انتخاب این دو میتوان برای هر یک برنامه های خاص خود را برای طلاب در جهت روبرو شدن با جامعه مخاطب خویش زیر سازی کرد و سر فصلهای خاصی را تعریف نمود. در عصر کنونی سبک های دیکتاتورانه سخنرانی در عرصه رسانه ها چندان مخاطب آور نیست چرا که سبک معلم های قدیمی است، مثلاً من خودم از سبک آقای قرائتی که در اینجا نیز مخاطب خود را دارد خوشم می آید.



بحران گسترش مسیحیت در افغانستان

سیدمصطفی موسوی

واپسین تنها از همین منظره، یعنی از جهت ایجاد برنامه های استعماری در خور بررسی است.

اربابان کلیسا به عنوان رهبران روحانی و منادیان معنویت در جوامع انسانی، اما در حقیقت با اهداف بهره کشی، نقش پیش قراولان استعمار غرب را به خوبی بازی کردند. از قرن شانزدهم میلادی به بعد گروه های تیشیری مسیحیت پیشاپیش و بعضا دوشا دوش حکومت های استعماری غرب با در دست داشتن

در روند رو به تکامل تمدن مادی غرب، آیین استعماری مسیحیت نقش حیاتی و مهمی را ایفا کرده است. این آیین در شکل فرقه های کاتولیک، ارتودوکس و پروتستان، تکاپوی برون مرزی خود را در چارچوب آرمان های استعماری غرب پایه ریزی نموده و گسترش داد و بصورت ابزاری نیرومند در دست برنامه ریزان استعمار قرار گرفت. بر همین اساس تلاش های بی وقفه و گسترده تبلیغی مسیحیت در افغانستان و دیگر سرزمین های اسلامی در سده های



ادامه نامنی و نا آرامی در افغانستان باعث شده تا شرایط برای گروه های مختلف مبلغ مسیحی فراهم آید و از راه های کمک های به اصطلاح انسان دوستانه، در پی جذب مردم جنگ زده و آواره افغان باشد. این مبلغان با بهره گیری از جدید ترین فناوری های رسانه ای و تبلیغاتی، و با سوء استفاده از فقر فرهنگی و اقتصادی مردم، در زیر چتر نیروهای ناتو و آیساف، با آسودگی خاطر به تبلیغ باورهای غیر اسلامی و ترویج سنت های مسیحیت می پردازد.

کتابهای انجیل، پا به عرصه حیات سیاسی و اقتصادی سرزمین های اسلامی گذاشتند.

امروزه در هر لشکر کشی که توسط غرب و با اهداف استعماری به سرزمین های اسلامی صورت می پذیرد، مبلغان مسیحیت پا به پای نظامیان مسلح حرکت می کنند. گاه چنان بود که کشیشان بلند آوازه کلیسا، جهان گشایان پر آوازه استعمار غرب را در تجاوز به کشورها و حقوق ملت ها همراهی می نمودند.

فعالیت های تبلیغی مسیحیان، و شستشوی فکری و عقیدتی بر علیه مسلمانان، مساله ای است که امروزه در افغانستان به یک بحران بزرگ تبدیل شده و زنگ خطری را به وجود آورده است که گوش های سنگین ما را می نوازد. تقریباً از ده سال پیش این فعالیت ها به صورت جدی تر و منسجم تر صورت می گیرد و تا کنون نتایج تاسف باری را برای جامعه اسلامی ما به بار آورده است.



این مساله وقتی درد آور تر می شود که در سال ۲۰۰۸ نماینده پارلمان کشورمان که باید بر اجرای قوانین اسلامی نظارت داشته باشد، رسماً و علناً اعلام می کند به دین مسیحیت گرویده است.

شیوه های تبلیغاتی مبشران مسیحی بسیار گوناگون است، شبکه های ماهواره ای به طور فعال تبلیغ می کنند و می توان گفت که در خانه هر مسلمان که مخاطب این شبکه ها هستند، یک کلیسا زده شده است، اما متأسفانه در مقابل، تبلیغ اسلام و معارف قرآن جایگاه خودش را در رسانه ها از دست داده و به طور چشمگیری محدود شده است، محتوای رسانه های اسلامی در حال استحاله شدن است و با توجه به نقش رسانه ها در جهت دهی به افکار عمومی باید برای این روند نگران باشیم.

فعالیت های مبلغان مسیحی، آن هم در کشوری سنتی مانند افغانستان، کار بسیار دشوار و مأموریتی زمان بر و بسیار ظریف است اما آنها با هزینه کردن سرمایه های کلان و فعالیت های شبانه روزی و استفاده از تمام وسایل ارتباطی از قبیل ماهواره و اینترنت و ... تا حدود زیادی در افغانستان موفق بوده اند و هم اکنون بیش از پیش زمینه برای آنها مهیاست و اگر این روند ادامه پیدا کند ممکن است صدمات غیر قابل جبرانی برای جامعه اسلامی ما ایجاد شود.

جالب اینجا است که هوایما های جنگی و موشک های مخرب و نابود کننده و بمباران های کشنده همین مسیحیان، هر روز جان بسیاری از مردم مسلمان را می گیرد اما با این وجود، آنها مسیحیت قلبی و تحریف شده را در میان آنها تبلیغ می کنند و با استقبال نسبتاً خوبی هم مواجه می شوند.. شاید به علت ملموس نبودن ماجرا و پیش روی پنهان این فعالیت ها، نگارنده کمی به فرافکنی و سیاه نمایی متهم شوم اما حقیقت این است که فعلاً مسیحیت در افغانستان نفوذ کرده و هر روز بسیاری از مردم مسلمان و هم وطن ما را به آیین تحریف شده خود می کشانند.





در جهان اسلام است را چه در زمینه بیداری و چه در بخش وحدت مسلمین در هم شکسته و تداوم استعمار گری را برای غربی ها تسهیل نماید» پژوهشی در آیین مسیحیت، ص، ۱۸۵.

شایان ذکر است که این مبلغان، بسیار دقیق و کارشناسانه فعالیت می کنند. مخاطبان واقعی این افراد، کودکان، نوجوانان، جوانان و نیز افراد فاقد علم و آگاهی هستند که در منجلاب فقر و گرفتاری های مالی سقوط کرده اند. آنان در برخی مناطق از والدین می خواهند تا فرزند خردسال خویش را در اختیار آنها بگذارند و در مقابل، ایشان نیز تمام نیازهای مادی آن کودک و خانواده اش را تأمین می کنند. تأسف بارتز از همه، اینکه مبلغان مسیحی، برعکس وهابیت، بیش تر، شیعیان این کشور را نشانه گرفته اند.

فعالیت های مبشران مسیحی در قالب نهاد ها و موسسات خیریه، روش دیگری است که جامعه ما را نشانه گرفته است. مخصوصا در میان قشر مستضعف و طبقه پایین جامعه این امر کاملا مشهود و واضح است. علاوه بر آن، تبلیغات چهره به چهره آنها، اثر بسیاری در منحرف شدن مسلمانان افغانستان گذاشته است.

تلاش های مبلغان مسیحیت و هزینه کردن سرمایه های عظیم و کوشش های همه جانبه آنها به منظور تداوم استعمار و استیلای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و نیز به غارت بردن منابع کشور های اسلامی است. سیمون یکی از کشیش های معروف مسیحی با صراحت کامل در این مورد می گوید:

«فقط برنامه های استعماری مبشرین مسیحی می تواند عظمت انقلابی که در حال شکفتن

آنچه گفته شد، بیان اجمالی وضعیت آشفته برنامه ریزی دینی در افغانستان است، از این رو بسیار ضروری و حیاتی است تا علماء و نهاد های مربوطه به این امر توجه بیشتری داشته باشند و در مقابل تهاجمات فرهنگی و عقیدتی آیین تبشیری مسیحیت گام های مثبت و موثری را بردارند.

یادوی از سید ارگرد معاصر

شهید سید اسماعیل بلخی

خطاب بلخی به وکیلان وطن



ای وکیل این دوره، نادر از دل سر کن
وضع حال مردم بین دیده ای ز خون تر کن
نشومی گری تا ناور و نسان
در د دولت را بر نفس مگر کن
نیست در خور بهمت حکمت معاشی چند
..... بدست آور فکر قرض کشور کن
وضع برف و باران کن از فقیر قوم آگاه
..... وز مر مر قصر خود مگر کن
سود خویش از این ملت معنی کنن دزد است
خود تو مین معروفتی باش ونی سگر کن

خواهی ار شود آباد قصر آرزوی ما
کلخ حرص ویران ساز آزر را محقر کن
ای جوان وطن داده است برورش به آغوش
سگر این جوانها شفقتی به ما کن
شسته زانجی شرم است باده نوش و حدت را
آب تاک خود کشت قلب ما کن ساغر کن
کی قرن عصمت گشت بی خبر ز نوعیت
جنبتی تو هم امروز ای نجره خواهر کن
ز سب قامت ما نیست ثوب دیگران بلخی
از گیاه این بوستان جا بد بافت در بر کن

پدران خنده دل رفت که شاید به شتاب
 نسل آینده ما عده کثایر خیزند
 کویا نیست خدا کار مکر بار و کر
 از دل خاک ناکان به خدا بر خیزند
 مددای هست و توفیق که این قافله هم
 همچو سلطان نو آموز به پار خیزند
 مستدر را نرسد فرصت تدبیر و فرار
 چون ضعیفان به تقاضا ز قهار خیزند
 سحر و زور تحمل بکنند ریش و جور
 ورنه تشنگی بود ایشان به ریشا بر خیزند
 بنیاساه بلا، سحر بلا، سنج بلا

باده نوشان چو سحر که بد جا بر خیزند
 صوفیان با صافی ز صفا بر خیزند
 عیب زندان مکن ای سحر که این پاک دلان
 شرم دارند جو زاید ز ریا بر خیزند
 نام عاشق بخود آن طایفه بندند به دروغ
 شب بخوانند که شاید به صبا بر خیزند
 ملت ما خسر از علت ناکامی خویش
 نیست تشنگی که در کام روابر خیزند
 بی اثر نیست ملی کوشش افرادی
 ای خوش آن روز که جمعیت ما بر خیزند
 کاروان رفت به افلاک و گر باز رسید
 شد آن لحظه که این قوم ز جا بر خیزند



ظفر عرفانی

آورده اند که پیری فرزانه شبانگاه نیایش همی کرد
 بارالها! سالهاست ایوب وار مرا با بلیات گونه گون همی
 آزموده ای،
 از فقر و رنج و بیماری گرفته تا تورم و گرانی و شهریه ی
 مکتب آزاد اولاد،
 مرحمتی فرما و آزمونی یوسف گونه نیز از ما به عمل آور.
 سخن که بدینجا رسید دق الباب کردند. پس در گشوده شد.
 برادرانش بودند.
 تعارفی زد، آن ها اما دست در گریبانش زدند و کشان کشان
 همی بردند
 و در صندوق عقب همی چپانیدند. بیرون از شهر برده و در
 چاهیش افکندند
 پس از قعر چاه نعره همی زد:
 خدا!!! من منظورم اون آزمون عشوه و زلیخا و پشت درهای
 بسته و... بود نه این.
 رساله دلگشا، تصحیح: علی اصغر حلبی، ص ۱۸۶



خطره

مر بوطا به سالها پیش می شود. زمانی که ارتش سرخ به افغانستان حمله کرده بود. در آن شرایط اقتصادی و امنیت و جنگ راهی به جز مهاجرت نبود، گزینه ما ایران بود. ما از باشندگان بامیان بودیم و جایی بهتر از کشور ایران به خاطر زیارت امام رضا(ع) و جمهوری اسلامی برای ما دل گیر نبود.

ایران با اینکه تازه انقلاب کرده بود از مهاجرین با روی باز استقبال می کرد. من و حسین از یک قریه بودیم و برای اینکه غریب نباشیم با هم مسافرت کردیم، با هزار مشقت و سختی خودمان را به مرز رساندیم و از آن جا وارد کشور جمهوری اسلامی ایران شدیم. اولین و بهترین توقف گاه مان مشهد بود، بعد از آن همه سختی وارد حرم امام هشتم شدیم اصلاً فکرش را هم نمی کردیم برای ما که اولین بار بود سفر کرده بودیم و جایی به جز قریه ی خودمان ندیده بودیم شهر مشهد و حرم جذابیت خاصی داشت. با یک زیارتی که اصلاً فکرش را نمی کردیم و با خود مان می گفتیم از خدا ممنونیم که زیارت امام رضا(ع) را روزی ما کرد. در همین شور حال بودیم که نماز شد، در شلوغی ها حسین را گم کردم. هرچه دنبالش گشتم پیدایش نکردم. اولین باری بود که این قدر احساس غربت و غریبی کردم و همه اش به فکر حسین بودم که از من کوچکتر بود. نا امید شدم و تنهای تنها کنار ضریح که رسیدم از ته دل گریه کردم و از امام خوستم که ما را از این غربت در بیاورد. تنها به سفر ادامه دادم، تهران جای خوبی بود از هم ولایتی هایم چند نفر آن در کوره آجر پزی کار می کردند. من هم در اطراف تهران در کنار آن ها مشغول کار شدم.

چند وقتی گذشت تابستان بود و اوج کار با دهان روزه کار کردن در کوره آجر پزی و آفتاب داغ شرایط کاری را خیلی سخت کرده بود. روز ها تا افطار روزه و افطار با قوت ناچیز افطار کردن آدم را یاد نان بته ولایت می انداخت، خلاصه این سال هر چه قدر سخت بود به شبهای قدر رسید و من توانستم برای سه روزی مرخصی بگیرم. گفتم بهترین جا برای رفتن شهر ری است. شبهای قدر و حرم عبد العظیم حسنی مشغول دعا و انابه بودم دیدم کسی شانه ام را گرفت دیدم حسین است بله حسین بی نهایت خوش حال شدم دوست قدیمی وهم سفرم با چه شوق و خوش حالی مشغول حال و احوال شدیم و از روزگار غربت گفتیم صبح به محل کار او رفتیم وقتی فهمیدم در ریخته گری کار می کند و با دهان روزه پای آتش می ایستد علت لاغری اش را متوجه شدم، گرمای روز بود دیدم لبهایش از شدت گرما و حرارت زنگار بسته و با دهان روزه سخت کار می کند، خیلی ها آشکارا و به بهانه سختی کار روزه می خورند از او پرسیدم با این شرایط روزه گرفتن برایت سخت نیست، گفت: اگر روزه در این شرایط سخت نباشد چه طور می تواند سپر آتش جهنم شود.

حسین از همه کار گرها بیشتر تلاش می کرد به او گفتم مثل بقیه کار کن گفت: یاد سخن پدرم هستم که می گفت پسرم روزی حلال را درد دنیا با هیچ چیز عوضی نکن اگر مثل بقیه کار کنم از روزی حلال دیگر خبری نیست.

عارف فاضل



یا ایها الذی یبوء
الضمان

مهاجر که باشی ، نا خدا گاه شخصیتت به سوی دو گانگی سوق پیدا میکند و تو در بهبوهه ی تلقی هویت‌هایت ، به سمت ریشه ای نادیده می روی و هویتی تک را میپالی .

کابل نامه

قسمت اول : سفر به ناشناخته ها
از افغانستان ، فقط نامش را شنیده بودم، گفتند: افغانی هستی!

سال های سال این نام را با خود حمل می کردم، فقط میدانستم از سرزمینی هستم که نه آنجا به دنیا آمده ام و نه قدمی بروی خاکش گذاشته ام و اینجا هم من حیث یک مهاجر باید چرخه ی زندگیم را بچرخانم.

من فقط اینگونه نبودم تمام هم مسلکی هایم ، هم درد آنم بودند. کمتر هم سن و سالی پیدا می شد که افغانستان را دیده باشد، عده معدودی هم که بودند تازه از وطن آمده بودند . وقتی برای مقصدی که فقط نامش را شنیده باشی عازم سفر باشی ، دلهره شیرینی در عمق وجودت تلو تلو می خورد، احساس کاشف بودن میکنی ، ناخودآگاه یاد زمان های سفر به دور دنیا و اعماق زمین ژول ورن می افتی،

تو در نقش مارکیلو قرن جدید، بی گذار و بی هیچ زمینه ای کوله سفرت را می بندی و عازم موطن ندیده ات می شوی!

می روی تا شنیده هایی که سال ها از لبان چروکیده مادرکلانت در گوشه‌هایت جاری شده است را به دریایش برسانی .

برای اولین بار در دیار پارس ها گریان کردم، به مثال تمام کودکانی که نمیدانستند کجا به دنیا خواهند آمد.

به نام افغانی سالهای سال در کوچه پس کوچه های پایین شهر، روزگار گذراندم .وقتی خرد بودم نمی دانستم افغانستان کجاست، ملیت چیست، مهاجرت چیست.

تباشیر سفید را می گرفتیم و آسفالت های جلو منزلمان را خانه بندی میکردم و میان خانه های چهار کنج شکل بالا و پایین میپیدم، آن زمان

وطنم همان چهارخانه ای بود که می هراسیدم پایم از درونش خطا بخورد و بسوزم .

مکتب که می رفتم خوب میدانستم مجزا از دیگران با بخش نامه ای نآمده ثبت نام خواهم کرد، بعضی وقتها تا آخر تابستان منتظر بخش نامه در کوچه ها به خط بازی هایم ادامه می دادم.همراه دوستانم که دختران افغانی بودند که کلگی لهجه ایرانی را بهتر از پارسها گپ می زدند خاطرات مکتب را خلاص کردم .

هر قدر کلان تر می شدم افغانی تر می شدم ، بعضی وقتها به نام افغانی آلرژی پیدا می کردم ، بدم می آمد از اینکه چرا به من افغانی می گویند. گاهی اوقات هویتی را می پالیدم که از جامعه ی ایرانی دورتر بود و به سوی ریشه ای ناپیدا ، اعماق خاک آلود را زیر و رو میکردم .



برای من همه چیز حکم رفتن داشت، به سرزمینی که نامش افغانستان بود شهری که کابل بود و دیگر هیچ نمیدانستم به جز نام .

هنوز هم صدای گرگر طیاره ی کام ایر در گوشم هست ... پرواز مشهد - قندهار - کابل ...
برای یک تازه وارد ایستگاهی بهتر از قندهار نمی شد . وقتی در سالن انتظار پرواز های مشهد با کفش های پاشنه دار راه میرفتم فقط به تمام آینده ای نامعلوم فکر میکردم . انگار کم کم بوی گذشته را فراموش میکردی و قلم را میگرفتی و از سر خاطره مینوشتی .
هوای مشهد به شدت بارانی بود، نگار

۱۲ بجه چاشت ، تیکت طیاره در دستانم با کفش هایم سالن انتظار میدان هوایی را متر می کردم. این آخرین ساعتی بود که هوای ایران را استشمام می کردم، نفسم دیگر اکسیژن ایران را پس نمی داد، بازدمی که از کار افتاده بود. چوکی های سالن انتظار سرد بود. آنها هم مرا از خود می راندند شوقی به نشستن هم نبود، فقط قدم میزدم ، ته دلم میخواستم از مشهد تا کابل را قدم زنان بروم .
تنها بودم .

چند نفری هم فامیلی بودند از پله هابالا آمدند ؛ و روی چوکی ها نشستند همه عازم کابل بودند اما آنها به خانه یشان در کابل یا قندهار می رفتند. برای آنها یک سفر زیارتی و مسافرتی کوتاه دور از خانه از بود.

خودم هم، بافته هایم جدا از تافته های جامعه پارس ها بود، انگار تاول های درد مهاجرت در حال سرباز شدن بود. دیگر گفته های مادر کلانم از جوی ها ، دریاها و کتل های بامیان مرا سیراب نمی کرد ، تخیل ام در تجسم سرزمین پدری یاری نمی داد و حس لامسه ای که بی قرار بود.

ده سال از جنگ تر میشد ، از نظر همه کلان ها، افغانستان هنوز جنگ بود، هنوز ناامن بود.

گهگاهی خبرهای انتحار از گوشه و کنار کابل کرنا میزد، هر انتحار کابل، پاهای همه را در ایران محکم تر در زمین فرو می برد. وقت رفتن، خوب می دانستم من اولین دختری نبودم که تنها پا به کابل گذاشتم و آخرین هم نخواهم بود.



قندهار که رسیدم آبادی ندیدم، تمام قندهاریها یک به یک سوار می شدند، ناگهان یک بوی خاصی طیاره کام ایر را فرا گرفت. از نگاه های تیز یک قندهاری به تنگ بودن کالاهای مهمان دار خانم پی بردم. بیوسته به تعداد مسافران افزوده می شد به ناگه دیدم مردی با ریش های غلیظ زاغ مانند با اشاره به من می فهماند که می خواهد در پهلوی من بنشیند، شاید دری نمی فهمید. دیدم مهمان دار هم با او هم نظر هست و میگوید: بگذار بیادر کنار شما بنشیند خیر است سیت ما تکمیل می شود.

گفتم آخر هواپیما خالی است چرا آخر هواپیما نمی نشیند؟

طیاره از زمین جدا شد حالا می توانستم تمام خاطراتم از بالا ببینم. مشهد از این بالا خیلی تماشایی شده بود هر چه بالاتر می رفتیم مشهد کوچکتر می شد، آسمان بعد از بارش صاف و ابری بود، کم کم طیاره در ابرهای سفید محو شد، دیگر مشهدی وجود نداشت.

ابرها به آرامی از کنارم عبور می کردند جایی بودم که کسی دستش به من نمی رسید جدا از زمین و نه متعلق به آسمان!

آنقدر آرامش بخش بود که یادم رفته بود به کجا می روم.

هر چه قدر از مرزها دورتر می شدم آسمان غبار آلودتر و زمین های زیر پاهایم کوهی تر می شد. کتل هایی به رنگ قهوه ای پر رنگ سر به فلک کشیده! تنها چیزهایی که در افغانستان زیر بار سی سال جنگ خم نشده بود.

وقت رفتن کسی جز او گریه نمی کرد. پرواز تأخیر داشت. وقتی تنهایی می خواهی پرواز کنی کمی دلهره داری شاید دلهره از آن خاطر باشد که تمام مسافران با خانواده بودند و تو تنها! در یک چوکی دو نفری جای گرفتم. کنار پنجره نشستیم و کیف لپ تاپم در چوکی کنارم ... دوست نداشتم کسی کنارم بنشیند.

از پشت کلکین طیاره، میدان هوایی مشهد را با دقت نگاه می کردم. به تمام خاطراتی که در مشهد، مکتب دانشگاه و... داشتم فرو رفته بودم، آن لحظه هیچ چیز نمیتوانست مرا از طیاره تا کند انگار هیچ چیز کشتی نداشت حتی زمین!

آنقدر محو تماشای اطراف بودم که نمیدانم چطور سوار ملی بس پر از قندهاری شدم آن لحظه احساس می کردم من تنها زن روز زمین ام .

فردا صبح از غرب کابل خیلی زود تر از خورشید طلوع کردم . خیلی وقت بود که طلوع آفتاب را ندیده بودم .

در سرک ها راه می روم؛ تا چشم کار می کند هزاره می بینی .

صبح ها اینجا کسی نمی خوابد همه بدون کوک کردن ساعت از خواب می خیزند.

خواب صبح اینجا حرام است، اینجا غرب کابل، برجی ...

یک ساعت و ۱۵ دقیقه تا کابل

این بار طیاره بدون هیچ اضافه گویی سریعاً در آسمان افغانستان اوج گرفت . هر چه قدر به کابل نزدیک تر می شدیم دیگر اثری از مزارع و زمین های سبز نبود تا چشم کار می کرد کنترل و دشت بود.

به ناگه طیاره در خاک بادی فرو رفت که کلکین هایش به جز غبار هیچ چیز نشان نمی دادند با اعلام خلبان که میگفت کمربندهای خود را ببندید فهمیدم که می خواهد فرود آید.

اینجا فرودگاه کابل آغشته با طیاره های جنگی !

در ادامه اش گفتم یا خانم بیار یا من وسط هواپیما وای میستم و کرایه هواپیما را ازتان پس می گیرم گفت خیر است هیچ چیز نمی شود بان بپوشید مه خانم از کجا بیارم به قول ایرانیا از ما انکار از آنها اصرار ...

من هم نامردی نکردم گلاس چایی خود را روی چوکی خالی کردم و گفتم بنشین و از آنجا بلند شدم در چوکی های پیشتر جای گرفتم . همه کسانی که سوار می شدند می خواستند کنار من بنشینند تنها جایی که می خواستم هیچ کس به من توجه نکند آن جا و همان لحظه بود .



مقدمه:

در مقدمه اشاره ای به سخن توماس میشل درباره جنایات و خشونت های کلیسا می نمایم. او می آورد: «اتهاماتی که به جانب مسیحیان نشانه گیری می شوند، مهم هستند و کسی نمی تواند اعمال ناروای آنان را توجیه کند. فقط این را می توان گفت که کارهای از مسیحیانی سرزده است که یا از تعالیم حضرت عیسی (ع) بی خبر بوده اند، یا آنکه آگاهانه آن تعالیم را ترک کرده و از اقتدا به آورنده آن تعالیم سرباز زده اند. هر کس که طالب آن باشد که اثر عمل محبت آمیز عیسی و محبت تحول آفرین وی، رهبر خط مشی و کارهای افراد و گروههایی از مسیحیان را ثبت کرده که انگیزه ایشان در محبت، خدمت و گذشت، تاسی به عیسی بوده است.»^۱ بنابراین آنچه که در رسانه ها به نفع مسیحیت سخن پراکنی می کنند که مسیحیت دین مهربانی و محبت است و اسلام دین خشونت و کشتار، از واقعیت دور بوده است. همچنانکه نمی توان به طور کامل دین مسیحیت را به خشونت متهم کرد

جنایات کلیسا در قرون وسطی

با وجود گذشته خشونت بار آنان به همین طریق هم نمی توان ادیان دیگر را به خشونت متهم کرد. اما از این نکته نمی توان چشم پوشید که حوادث ناگواری در بین جوامع دینی رخ داده است اما نمی توان آن به حساب آن دین گذاشت. باید توجه داشت که آن حوادث به افرادی منتسب است که یا از حقیقت تعالیم آن دین بی خبر بوده اند، یا آنکه آگاهانه آن تعالیم را ترک کرده و از اقتدا به آورنده آن تعالیم سرباز زده اند. در پایان این نکته قابل تذکر است که اعمال ناروای برخی افراد را نباید به پای آن دین نوشت و آن اعمال را به آن دین منتسب نمود.

قرون وسطی:

فاصله ی زمانی قرن پنجم میلادی تا حدود قرن چهاردهم و پانزدهم میلادی در اروپا را سده های میانه [قرون وسطی] می نامند.^۲ اصطلاح قرون وسطی را برای نخستین بار کریستوفر کلتز (۱۶۳۴-۱۶۸۰) در رساله ای که در سال ۱۶۶۹ منتشر نمود، بکار برد.^۳

۱ - کلام مسیحی ، ص ۹۱ به نقل از: مسیحیت در قرون وسطا، ص ۱۸۸.

۲ - سیر تاریخی پیدایش مترادف در غرب (مجموعه مقالات و گفتگو)، به اهتمام مجید ظهیری، ص ۲۴.

۳ - (سرگذشت مسیحیت، ص ۱۲۵ به نقل از: درآمدی بر تاریخ و کلام مسیحیت، زیبایی نژاد، ص ۱۰۹).

سده‌های میانه [قرون وسطی] دوره‌ای از تاریخ غرب است که در آن میراث یونانی- رومی با آموزه‌های کلیسای کاتولیک پیوند خورده و زمانی در حدود هزار سال بر فرهنگ اروپا حکومت کرد. و کلیسای کاتولیک رهبری فکری جهان مسیحیت را بر عهده داشت.

بشر اروپایی در قرون وسطی بیش از بشر مدرن، متوجه زهد و معنویت و آخرت بود. تفکر دینی اصیل و حقیقی، همان آموزه‌های کلیسای کاتولیک است که متناسب به تعالیم حضرت عیسی (علیه السلام) تلقی می‌گردید. از اتفاقات مهم قرون وسطی لشگرکشی‌های تجاوزکارانه و سودجویانه‌ی اشراف کلیسا علیه جهان اسلام است که به جنگ‌های صلیبی (۱۰۹۵ - ۱۲۰۶ م) معروف شده است. در آن دوران، هنوز ملت در مفهوم مدرن آن و نیز دولت‌های مدرن پدید نیامده بودند و مبنای

وحدت و هویت در میان مردمان- غیر از تعلقات محلی و بومی- بیشتر پیروی از کلیسای کاتولیک و زبان لاتینی به عنوان زبان رسمی علمی بوده است.^۱

جنایات کلیسا در قرون وسطی:

در این بخش در پی یافتن جواب چند سوال اساسی خواهیم بود.

۱. در مسیحیت خشونت وجود دارد؟
۲. مسیحیت و کلیسا چه نوع خشونت‌های را اعمال می‌داشتند؟
۳. چرا مسیحیت و کلیسا این نوع خشونت‌های را اعمال می‌داشتند؟

الف) جنایات کلیسا^۲:

شاید بتوان گفت نماد خشونت در مسیحیت دادگاه‌های تفتیش عقاید باشد. کلیسای کاتولیک روم پس از آنکه در اوایل قرون وسطی پایه‌های قدرت خود را تثبیت کرد، به افراد بدعت‌گذار به دیده دشمنان جامعه نگریست^۳. گریگوری نهم که ظهور

بدعت‌ها را در سطحی وسیع در سده‌های یازدهم و دوازدهم مشاهده کرد، در قرن سیزدهم میلادی (۱۲۳۲) دادگاه تفتیش عقاید^۴ را تاسیس کرد تا با کسانی که به خود اجازه تخطی از اصول و معتقدات انجیلی را می‌دادند مبارزه کنند و با پیشرفت علم و دانش و نهضت‌های انقلابی مقابله نمایند. دلیل تشکیل دادگاه تفتیش عقاید و مقابله کلیسا با یافته‌های علمی-تجربی این چنین بیان شده است:

«آربایان کلیسا به خیال خام خود تحولات علمی و کاوش‌های دانشمندان را که پرده از اسرار طبیعت برمی‌داشت و مشکلات پیچیده را یکی پس از دیگری حل می‌کرد، دست‌اندازی در کار خلقت خدائی دانسته و لذا سخت در صدد مقابله با این جنبش علمی و نابودی آن انقلاب فکری برآمدند.»^۵

۱- با الذکی تصرف: واژه نامی فرهنگی سیاسی، شهریار، ژرژناس، کتاب صبح، ۱۳۸۳، چاپ اول، صص ۲۰۵-۲۰۷.

۲- کلیسا کلمه‌ای است که از لفظ اکلِسیا (Ecclesia) به معنی «جمع مقدس» است گرفته شده در عهد قدیم این لفظ مخصوصاً به جمع مقدس بنی اسرائیل که قوم برگزیده خداوند بودند دلالت می‌نماید، ولی در عهد جدید مقصود از اسرائیل حقیقی روحانی یعنی بیروان واقعی عیسی مسیح (ع) است. (تاریخ کلیسای قدیم، ص ۳۶)

۳- مسیحیت در قرون وسطی، صص ۱۹۱-۱۹۰.

۴- تشکیلات جستجو و کشف بی‌دیان که به معروف به اداره تفتیش عقاید بود در سال ۱۲۳۳م توسط پاپ گریگور نهم تشکیل یافت. (رکد: سرگذشت مسیحیت، ص ۲۰۳ به نقل از: درآمدی بر تاریخ و کلام مسیحیت، زیبایی نژاد، ص ۱۱۰).

۵- با الذکی تصرف: مسیحیت در قرون وسطی، ص ۱۹۳.

۶- <http://masihi.net/site>

تشکیل دادگاههای موسوم به «تفتیش عقاید» به بهانه های مختلف مانند بدعت در دین، مخالفت با دانش و علم مورد تأیید کلیسا، مصونیت کلیسا از هر گونه خطا و لغزش و همسانی پاپ و انجیل در تقدس و نقد ناپذیری^۱ بر علیه مخالفان نظرات کلیسا، مجازاتهای سنگینی اعمال می‌داشتند. این مجازاتها به گونه ای اعمال می‌گردید که خود متوالیان هم از توصیف آن ابراز ناتوانی می‌کرده اند و این را می‌توان در کلمات ژوان آنتونیولورنت^۲ مشاهده کرد:

«قلم من از شرح این صحنه‌های وحشتناک عاجز است. زیرا من چیزی سراغ ندارم که به قدر این‌گونه رفتار قاضیان محکمه تفتیش عقاید، با روح احسان و رحم و شفقت عیسای مسیح که بارها در انجیل به آدمیان توصیه شده است مغایر باشد.»

همچنین او درباره میزان این‌گون رفتارهای خشن می‌گوید: «چون بر تعداد محکومان سوختن در آتش روز بروز افزوده می‌شد، حاکم "سویل" مجبور شد در خارج شهر در صحرایی بنام "تابلادا" Tablada یک کوره دائمی از سنگ سازد که امروز بنام "کمادرو" (quemadero) باقی مانده است.^۳» و تاریخ، در مدت پانزده سال، سیصد و چهل و دو نوع از اینگونه محاکمات را در انگلستان ضبط کرده است.^۴ که در ذیل به برخی از این موارد اشاره خواهد شد.

۱. سوزاندن:

حکم سوزاندن افراد در قرون وسطی یکی از شایع‌ترین مجازاتهای بود برای انسانها در آن زمان تعیین می‌گردید. و بر کسی پوشیده نیست که سوزاندن یکی از اعمال غیرانسانی و

خلاف مروت و رفتاری انسانی به شمار می‌رود. با اینکه مسیحیت دین محبت شهرت یافته است اما در دوران حاکمیت کلیسا، افراد توسط کلیسا به مجازات سوختن محکوم می‌شدند.

«در ظرف مدت ۱۸ سال فقط رئیس یکی از دادگاههای تفتیش عقاید (ترکمارا (Torquemada)) حدود ۱۰۲۲۰ نفر را به زنده سوختن در آتش محکوم کرد.»^۵

از جمله کسانی که به سوزانده شدن در آتش محکوم می‌شدند، نودینان مسیحی بوده‌اند که از دین و کیش مسیحیت رو برمی‌گرداندن.

«نودینان مسیحی که از دین خود برمی‌گشتند و به نظر اربابان کلیسا در الحاد خود پافشاری می‌کردند زنده زنده در آن کوره انداخته می‌شدند و در وسط آن آتش سهمگین و سوزان آهسته‌آهسته جان می‌دادند.»^۶

۱ - آموزه عصمت نسبت به کلیسا و پاپ، در نظر کاتولیک‌ها و ارتدوکس‌ها، پذیرفته شده است. ارتدوکس‌ها معتقدند، روح القدس، کلیسا را از هر خطا محفوظ نگاه داشته است. چنین عقیده‌ای هم در میان کاتولیک‌ها پذیرفته شده است.

«مسیحیت موجود برای کلیسا (مجمع مؤمنان) خصوصیت عصمت و بی‌خطایی را به عنوان اصل مهم پذیرا شده است. هر شخصی که به عضویت این جامعه مذهبی برگزیده می‌شود، باید به این مسأله مؤمن و معتقد باشد. (درآمدی بر تاریخ کلام مسیحیت، زیبایی نژاد، محمدرضا، ص ۱۰۴)»

۲ - «ژوان آنتونیولورنت که در اواخر قرن هیجدهم میلادی منشی محکمه تفتیش عقاید در "مادرید" بوده است. (http://masihi.net/site)

۳ - http://masihi.net/site

۴ - ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۶، ص ۶۲۶

۵ - http://masihi.net/site

۶ - http://masihi.net/site



آمارهای هم در این باره از تاریخ ویل دورانت نقل شده است.^۱
 «به گفته لورنته^۲ در اسپانیا بین سالهای ۱۴۸۰ تا ۱۴۸۸ حدود ۸۸۰۰ سوخته و ۹۶۴۹۶ تن محکوم به مجازات های دیگر، و در فاصله سالهای ۱۴۸۰ تا ۱۸۰۸ به ۳۱۹۱۲ سوخته و ۲۹۱۴۵۰ تن به مجازاتهای سنگین تخمین می زند.»^۳

۲. قتل:

اکنون مسئله نسل کشی و کشتار جمعی یکی از مسائل غیر انسانی تلقی می گردد. در حالیکه وقایع کشتار جمعی زیادی جود دارد که مسیحیان در آن نقش داشته اند که در تاریخ نقل شده است.

«در سال (۱۲۰۸ م) پاپ "اینوسان سوم" قوایی برای گوشمالی مردم آلبی اعزام داشت. لشکر عظیمی که او برای این منظور تجهیز کرده بود به سوی میدان جنگ تاخت.

این جنگ بیست سال تمام طول کشید و منطقه آباد و حاصلخیز آلبی را پس از کشتن هزاران نفر به ویرانه مبدل ساخت.

۱- گرچه در این آمارها مناقشه شده است، البته ممکن است در اعداد و ارقام اختلافی وجود داشته باشد ولی بهرحال اصل وقوع این حوادث را تأیید می نماید که همین مقدار برای اثبات وقوع چنین اتفاقاتی کافی است.

۲- خوان آنتونیو لورنته کشیشی اسپانیایی بود که از سال ۱۷۸۹ تا ۱۸۰۹ سمت دیرکلی نقیض افکار را داشت. (ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۶ ص ۲۶۳).

۳- ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۶ ص ۲۶۳.

«لشکریان پاپ قساوت وصف ناپذیری از خود نشان دادند، مثلاً وقتی نماینده او موسوم به "آرنو" که سرداری لشکر را برعهده داشت، شهر بثریه را گرفت، فرمان داد ساکنان شهر را تا آخرین نفر قتل عام کنند و چون از او پرسیدند آیا کودکان و حتی مخالفان با جبهه به اصطلاح الحاد را هم بکشند، او جواب داد آری همه را بکشید، خدا بندگان خوب خود را باز خواهد شناخت.»^۱

گاهی این خشونت های جنبه انتقام گیری دارد و آن هم از جانب رهبر مذهبی مسیحیان.

«رهبر روحانی کاتولیک ها مصمم شد به حزب سیاسی مخالف خود که از فرقه پروستان ها تشکیل می شد ضرب شست سختی نشان دهد، از این رو نقشه کشتار پروستان ها کشیده شد... از روز ۲۴ (یعنی روز پیش از شب سن بارتلمی) قتل عام وحشیانه در پاریس آغاز گردید و فردای آن روز به فرمان شاه کشتار همکیشان مسیحی در تمام فرانسه ادامه یافت و بالاخره در طی دو هفته حدود ده هزار

نفر را طبق دستور پاپ رهبر کاتولیک های جهان سربریدند.»^۲

پروستان ها که در ابتدا برای بازگشت به حقیقت دین مسیح به پا خواسته بودند و به همین دلیل تحت حاکمیت کاتولیک با سختی و دشواری های فراوانی مواجه شدند، حتی برخی از آنان در این راه به قتل رسیدند. اما زمانیکه آنها هم به قدرت دست یافتن رویه خود را تغییر دادند و به خشونت های دست زدند.

«لوتر فریاد می زند که باید ایشان را سرکوب کرد، خفه نمود و همانگونه که سگان هار را از پا در می آورند ایشان را در نهران و آشکار یا خنجر از پا در آورید. به همین جهت ای اربابان عزیز من فتوی می دهم که پیش بتازید یا خنجر بکشید و با طناب خفه کنید، اگر شما در این جنگ مقدس از پا درآید شهید شده اید و این نهایت آرزوی شماست.»^۳

این رویه خشونت بار دامنگیر دانشمندان هم بوده است.

«در سال ۴۱۵ هویاتیا آخرین ریاضی دان اسکندریه و دختر تتون اخترشناس

به دست عوام الناس مسیحی با سفاکی مضمتر کننده ای به قتل رسید. به عقیده همه، «سیریل» اسقف اعظم قاتلان را به این عمل برانگیخته بود.»^۴

۳. زندانی:

زندانی شدن فقط به خاطر یافته های تجربی-علمی دانشمندان، خشونت علیه حقیقت و واقعیت است که کلیسا تنها به دلیل همسو نبودن با آراء خود بر دانشمندان اعمال می کرد.

«راجر بیکن دانشمند معروف غرب به دلیل رویکرد وی به علوم تجربی به چهارده سال حبس محکوم شد.»^۵

ب) زمینه های پیدایش جنایات:

ممکن است بسیاری از مردم در نظر نخست این فکر به ذهنشان آید که کلیسای کاتولیک با تاسیس دادگاههای تفتیش عقاید در واقع پیوند خود را با اناجیل و دستورهای آن و یا بطور کل با مسیحیت از بین برده است، ولی در حقیقت چنین نیست. شاید دور از واقعیت نباشد که بیان کنیم که ریشه های این خشونت ها

۱- کزی ولف، درباره مفهوم انجیل ها، ترجمه: محمدقاسمی، ص ۱۶۰ به نقل از: پژوهشی در آیین مسیحیت، ص ۱۹۶-۱۹۵.

۲- کزی ولف، درباره مفهوم انجیل ها، ترجمه: محمدقاسمی، ص ۷۵ به نقل از: پژوهشی در آیین مسیحیت، ص ۱۹۷.

۳- کزی ولف، درباره مفهوم انجیل ها، ترجمه: محمدقاسمی، ص ۱۷۳ به نقل از: پژوهشی در آیین مسیحیت، ص ۱۹۸.

۴- قدریان علی، سکولاریزم در مسیحیت و اسلام، ص ۷۱ به نقل از: تاریخ علم، ص ۸۹.

۵- همان، به نقل از همان، ص ۱۲۶.

تو براو ترجم نکند(تثینه ۲۵-۱۲:۱۱)»
۱.۲ سنگسار کردن:
 در کتاب مقدس برای بسیاری از گناهان مجازات سنگسار وضع شده است.

به عنوان نمونه: حکم به سنگسار گاو داده شده است.

«و هرگاه گاوی به شاخ خود مردی یا زنی را بزند که او بمیرد، گاو را البته سنگسار کنند... لیکن اگر گاو قبل از آن شاخ زن می بود و صاحبش آگاه بود و آن را نگاه نداشت و او مردی یا

تلویزیونی چنان به تصویر می کشند که مخاطبان اینگونه برنامه چنین تلقی را خواهند پیدا نمود. اما وقتی با دقت به خود کتاب مقدس آنان توجه شود، احکامی بسیار خشن تر وجود دارد.

۱.۱ قطع کردن دست:

«و اگر دو شخص با یکدیگر منازعه نمایند و زن یکی پیش آید تا شوهر خود را از دست زننده اش رها کند و دست خود را دراز کرده عورت او را بگیرد پس دست او را قطع کن و چشم

در کتاب مقدس وجود دارد و به نحوی بتوان گفت که مشروعیت این نوع اعمال خشونت ها از دل کتاب مقدس مسیحیان و یهودیان سر برآورد است.

۱. احکام خشن در کتاب مقدس:

بارها از طریق مسیحیان و رسانه های غربی شنیده شده است که احکام اسلام خشک و خشن و برخلاف حقوق بشر است. و رسانه ها در جهت تخریب چهره اسلام برخی از احکام اسلام به در سایه فیلم ها و برنامه های



حمله کردن به شهر و کشتن تمام مردان آن شهر:

«و چون بیهوه، خدایت، آن به دست تو بسپارد، جمیع ذکورانش را به دم شمشیر بکش.»^۷

حمله کردن به شهر و کشتن تمام مردمان آن دیار:

«هر شهری را با مردان، زنان و اطفال هلاک کردیم.»^۸

حمله کردن به شهر و کشتن تمام جانداران آن:

«اما از شهرهای این امت هایی که

و احکامی دیگری مانند سوزاندن و غیره وجود دارد که نیازمند مجال بیشتری است.

۲. خشونت های تاریخی مسیحیت:

در کتاب مقدس به دفعات از حمله به شهر و نسل کشی مردمان آن خبر می دهد. کشتن «زنان و اطفال هر

شهری»^۹ و حمله به شهری و زنده نگهداشتن فقط دختران باکره آن شهر

^{۱۰}، کشتار و سوزاندن زنان و کودکان توسط یوشع^{۱۱} و موارد دیگری که در

ذیل به عنوان نمونه چند مورد آورده می شود.

زنی را کشت، گاو را سنگسار کنند و صاحبش رانیز به قتل رسانند... (خروج ۲۱:۲۸-۳۲ و خروج ۱۹:۱۳)

مجازات سنگسار برای گناهانی مانند «پسر ولخرج و نافرمان»^۱، «کار در روز شنبه»^۲، «باکره نبودن دختر»^۳ و مواردی دیگری چون «در نزاع به خدا کفر بگویند»، «جادوگری» وضع شده است.

۱.۳) کشتن:

عاقبت برخی گناهان کشته شدن است. به عنوان مثال:

«کسی که پدر و مادرش را نفرین کند باید کشته شود (لاویان ۲۰: ۹)

«لواط و جماع با حیوانات، زنا با زن پدر و عروس باید کشته شود (لاویان ۲۰: ۱۶-۹)

مجازات کشته شدن هم برای حیوانات هم وضع شده است.

«اگر فردی با حیوانی مجامعت کند هر دو باید کشته شود (لاویان ۲۰: ۱۶-۱۵)

۱ - تثنیه ۲۱: ۲۱-۱۸

۲ - اعداد ۱۵: ۲۶-۳۳

۳ - تثنیه ۲۰: ۲۲-۲۱

۴ - تثنیه ۲۰: ۳۴

۵ - اعداد ۳۱: ۱۸-۱۷

۶ - یوشع ۶: ۲۴-۲۰

۷ - تثنیه ۲۰: ۱۳

۸ - تثنیه ۳: ۶





پهوه، خدایت، تورا به ملکیت می دهد، هیچ ذی نفس را زنده مگذار.^۱»
ج) علل پیدایش خشونت ها در مسیحیت:

۱. نص گرایی:

آبای کلیسا با تمسک به ظواهر آیات انجیل «نص گرایی» از مسیحیت قرائتی ارائه می دادند که هم ساز با عقل و علم نبود و هرگونه مخالفت با این اندیشه ها بدعت در دین شمرده می شد. انعطاف نداشتن کلیسا نسبت به اندیشه رایج از یک طرف و رشد گسترش علوم تجربی از طرف دیگر و شکل گیری تعارض و چالش میان علم و دین گردید.

کلیسا علاوه بر عقاید خاص مذهبی، یک سلسله اصول علمی مربوط به جهان و انسان را که غالباً ریشه های فلسفی یونانی و غیر یونانی داشت و تدریجاً مورد قبول علمای بزرگ مذهب مسیح قرار گرفته بود، در ردیف اصول عقاید مذهبی قرار داد و مخالفت با آن «علوم رسمی» را جایز نمی شمرد، بلکه با شدت با مخالفان آن عقاید مبارزه میکرد.^۲

۲. تغییر نگرش مسیحیان توسط کلیسا:

آبای کلیسا در ابتدا راهبان را از هر نوع مداخله در جنگ باز می داشتند و وارد شدن در جنگ برای آنان و به تبع برای کلیسا خلاف آموزه های مسیح تلقی می گردید. اما به مرور زمان این رویه تغییر چشم گیری پیدا کرد. «Pax vobiscum» به معنای «صلح با تو باشد»، عبارتی بود که در آیین عبادی کاتولیک خوانده می شد. برای همه راهبان و راهبه ها ممنوع بود که درگیر جنگ شوند و تشویق می شدند که حتی از احساسات دشمنی نیز پرهیز کنند.^۳

«استدلال قضات دادگاه قرون وسطی این بود که کلیسا زمین را ثابت می داند و نتیجه هیچ تحقیق علمی نباید این نظریه پذیرفته را نفی کند و در غیر این صورت، کسی که آن را نفی کند مستحق اعدام است.»^۴

کلیسای مسیحیت یافته های علمی-تجربی را از یکسومداخله در دستگاه آفرینش می پنداشتند و از سوی دیگر نگران از دست رفتن عزت و سقوط سلطه ی خداگونه ی خود بودند، به همین منظور روشی سخت و قاطع برای مبارزه با این تحول فکری اتخاذ کردند.

«جوردانو برونو منجم، قربانی دستگاه تفتیش عقاید شد و در سال ۱۶۰۰ به

۱ - تیت ۲: ۱۶

۲ - استاد مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱، علل گرایش به مادی گری، ص ۴۸۷.

۳ - <http://anasr۲۱.mihanblog.com/post/۱۰۳۰۳>

۴ - قدردان ملکی، سکولاریزم در مسیحیت و اسلام، ص ۷۱، به نقل از: تاریخ علم، ص ۱۳۸

۵ - درآمدی به مسیحیت، ص ۱۲۸.

فهرست منابع:

۱. استاد مرتضی مطهری، مجموعه آثار (نرم افزار)، ج ۱، علل گرایش به مادی گری.
۲. پژوهشی در آیین مسیحیت، کامل خیرخواه، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۸.
۳. تاریخ تمدن، ویلیام جیمز دورانت، ترجمه: گروه مترجمان، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.
۴. تاریخ کلیسای قدیم در امپراطوری روم و ایران، و.م. میلر، ترجمه: علی نخستین، تهران: اساطیر، ۱۳۸۲.
۵. درآمدی بر تاریخ و کلام مسیحیت، زیبایی نژاد، قم: معاونت امور استاتید و دورس معارف اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۶.
۶. درآمدی به مسیحیت، مری جو ویور، ترجمه: حسن قنبری، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۱.
۷. درباره مفهوم انجیل ها، کری ولف، ترجمه: محمدقاضی.
۸. سکولاریزم در مسیحیت و اسلام، محمد حسن قدردان ملکی، قم: بوستان کتاب، چاپ دوم، ۱۳۸۰.
۹. سیر تاریخی پیدایش مدرنیته در غرب (مجموعه مقالات و گفتگو)، به اهتمام مجید ظهیری، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۱.
۱۰. شناخت مسیحیت، عباس رسول زاده و جواد باغبانی، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹.
۱۱. گستره شریعت، عبدالحسین خسرو پناه، تهران: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۲.

۱۲.

<http://anasr۱۲۱.mihanblog.com/post/۱۰۳>

۰

۱۳. <http://masihi.net/site>

تغییر نگرش مسیحیان به جنگ توسط کلیسا یکی از عواملی است که باعث بروز جنایات و خشونت های علیه بشریت گردید. پاپ گریگوری هفتم در این باره نقش اساسی را داشته است.

«پیش از دوران گریگوری هفتم (۱۰۸۵-۱۰۷۳) سربازان حتی اگر در یک جنگ عادلانه شرکت می کردند، باید به درگاه خدا توبه کنند؛ زیرا کلیسا بر این باور بود که سربازان موجب مرگ دیگران شده اند. اما پاپ گریگوری هفتم اعلان کرد جنگیدن برای دست یابی به حقوق نه تنها گناه نیست، بلکه پسندیده نیز هست.»



فصلنامه علمی، فرهنگی و سیاسی

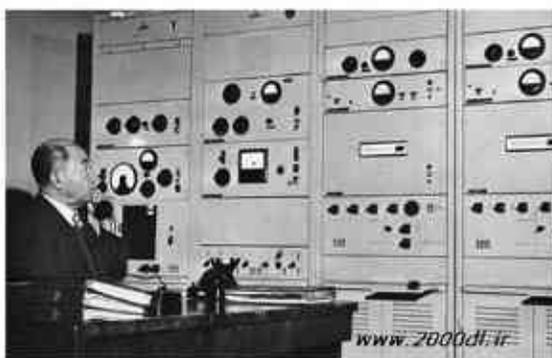
افغانستان از دریچه دوربین



شرکت نساجی گلپهار



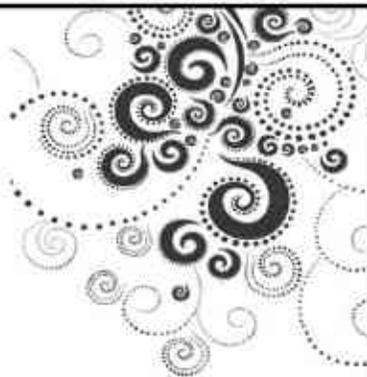
نیروگاه آبی تولید برق



امواج رادیو کابل از آفریقای جنوبی و اندونزی در دسترس بودند.

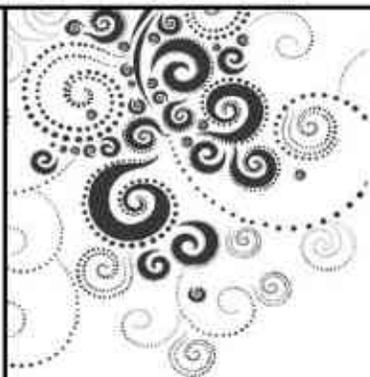


رژه سربازان

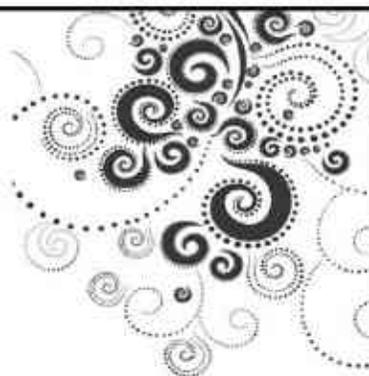


جرقه های امید

افغانستان از دریچه دوربین



فصلنامه علمی، فرهنگی و سیاسی



انجمن فرهنگی تبلور اندیشه: در سال ۱۳۸۴ با هدف ارتقاء سطح علمی و اندیشوی جوانان در نشستی با حضور جمعی از محصلین افغانستانی تاسیس گردید. برای اجرایی شدن اهداف این انجمن در رسیدن به افق متعالی متصور شده در اساستانه، پلان کاری انجمن در سه بخش (آموزش، پژوهش و فصلنامه) پایه ریزی گردید که شامل موارد زیر است:

واحد آموزش: برای محرومین از تحصیل که به هر نحوی توانایی رفتن به مکاتب دولتی را ندارند، تشکیل گردید. که به تدریس دروس پایه های ابتدایی، راهنمایی (متوسطه) و دبیرستان (لیسه) و در کنار آن فوق برنامه های آموزش احکام، قرآن، کامپیوتر و زبانهای خارجی پرداخته می شود.

دارالقرآن: که به تعلیم قرآن در حیطه های روانخوانی، تجوید، صوت و الحن مشغول است.

واحد پژوهش: با توجه به گسترش علم در عصر ما و نیاز به دانستن که از واجبات است این انجمن بر آن شد تا با حمایت موسسه آکدمل اینترنشنال به تاسیس کتابخانه سیار بنماید که این کار با همکاری جوانان اندیشمند، دلسوز و شایسته خدمت برای نونهالان این مرز و بوم انجام پذیرفت.

پایگاه اطلاع رسانی به آدرس: [Http://WWW.tabalwor.com](http://WWW.tabalwor.com)

برگزاری **همایش های علمی، فرهنگی** (افغانستان، دین و تمدن) (بزرگداشت سوم جوزا روز ملی معلم) (اسلام تمدن گرا یا تمدن اسلام گرا)، برگزاری برنامه های **نمایشی** (ناتر یا زگشت) (ناتر پرواز) (جشن تکلیف)، **ارائه لوح های فشرده**، جمع آوری مجموعه سخنرانیهای اندیشه و زبان اسلامی و تهیه به صورت نرم افزاری و توزیع رایگان از دیگر کارهای این انجمن است.

و اکنون نیز با **رویکردی رسانه ای** فعالیت هایمان را در طراحی و تولید نرم افزار های چند رسانه ای (نرم افزار قرآنی تلاوت و تقدیر شده در سومین جشنواره بین المللی طوبی - کتابخانه الکترونیکی - مخصوص پژوهشگران ادیان (کتاب نیاب با امکان قش برداری) - نرم افزار حجاب در ادیان، نرم افزارهای اسلامی برای موبایل و **فصلنامه الکترونیکی اندیشه نو**، از جدیدترین فعالیت های این انجمن میباشد، امیدواریم در راستای تعالی جامعه پیرامونمان وظیفه خویش را در قبال هموطنانمان به انجام برسانیم.

با ما میتوانی از طریق سایت انجمن، فیس بوک، تویترو، لینکداین، گوگل پلاس، گروپ گوگل، گروپ باهو، فیس بوک یا ایمیل های گوگل و باهو به تماس شوید خوشحال خواهیم شد تا از ارشادات گرانباه شما عزیزان بهره بجویم.

<http://www.Tabalwor.com>

<http://www.Facebook.com/tabalwor>

<http://www.twitter.com/tabalwor>

<http://www.linkedin.com/in/tabalwor>

<http://www.google.com/profiles/tabalwor>

<http://groups.yahoo.com/group/tabalwor>

<http://groups.google.com/group/tabalwor?hl=fa>

<http://www.Facebook.com/groups/tabalwor>

Info@tabalwor.it.com

Tabalwor@gmail.com

Tabalwor@yahoo.com

■ شبکه های اجتماعی

■ به آدرس: تبلور

■ ایمیل: ماهیت های الکترونیکی



انجمن فرهنگی تبلور اندیشه

www.Tabalwor.com